

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۱۷

جمعه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۲۳ آوریل ۲۰۲۱

انتخابات حکومتی و انقلابی که در میزند کاظم نیکخواه

این روزها همه کس از انقلاب سخن میگوید. از سخن فراتر، همه کس خود را برای انقلاب آماده میکند. جمهوری اسلامی به نیروهایش آماده باش میدهد، اپوزیسیون درونیش در مورد انقلاب هشدار میدهد و اصلاحات مفتضح شده کذائیش را راه حل جلوگیری از انقلاب توصیه میکند، خیابانها و کارخانه ها از اعتراض و اعتصاب و امید تحول و عزم و شور سرنگونی حکومت منفور اسلامی موج میزند، و کاخ ستمگران آشکارا از انقلابی جدید بلرزه افتاده است و دست اندر کاران امروز و دیروزش یک در میان به همدیگر هشدار میدهند.

نزدیک شدن روزهای انتخابات کذایی حکومت، فرصتی شده است تا تلاطمات درونی حکومت بیش از پیش بیرون بزند. همین که یک ذره بگير و ببند را تخفیف میدهند معلوم میشود که درون دیگ چه معجونی در حال غلیدن است و در چه بحرانی دست و پا میزنند. روزهای قبل شنیدیم که ضرغامی رئیس سابق صدا و سیما گفته بود که "میخواهد زیر میز بزند و همه چیز را به هم بریزد و شعارش هم نان کار آزادی است!" اکنون جلانی پور چهره شاخص و منفور اصلاح طلب حکومتی و کسی که بویژه مردم کردستان او را بعنوان

جمهوری اسلامی مشروعیتش

ادامه در صفحه ۲

قلب فریده آرمان عزیز از حرکت باز ایستاد!



نماد بارزی از انسانیت، عشق، صداقت، فداکاری، شهامت و سرسختی در زندگی و در مبارزه برای سعادت انسانها

در این شماره انترناسیونال:

شماره صفحه:

- ۱ و ۲ انتخابات حکومتی و انقلابی که در میزند. کاظم نیکخواه
- ۳ قلب فریده آرمان عزیز از حرکت باز ایستاد. حزب کمونیست کارگری ایران
- ۴ در برابر جنایت شلیک عامدانه به پرواز ۷۵۲ سکوت نکنید! پیام حمید تقوایی به مردم جهان
- ۵ پیام به مناسبت روز جهانی کارگر. شهلا دانشفر
- ۶ موقعیت بالنده چپ و بی افقی راست. اصغر کریمی
- ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ صفحه ویژه فریده آرمان عزیز
- ۱۲ محسن نامجو و جنبش "می تو" در ایران. حمید تقوایی
- ۱۳ واکسیناسیون فوری و رایگان حق مسلم مردم است. محمد شکوهی
- ۱۴ و ۱۵ فایل صوتی محسن نامجو، تراوشات ذهنی یک مرتجع. شیرین شمس
- ۱۵ و ۱۶ آقای علیرضا افشاری، ساکت، نمک به زخم نپاش. یاشار سهندی
- ۱۶ مستقیم به قلب خامنه ای. ژوبین زارع
- ۱۷ کمک مالی به تلویزیون کانال جدید. لیست چهارم
- ۱۸ از مدیای اجتماعی حزب
- ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ اطلاعیه های حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱

را از دست داده است. جامعه دو قطبی شده مردم نسبت به حاکمیت نا امیدند و حکومت نسبت به آنها مظنون است و در حال آماده باش است. اینها را یکی از جانبان جمهوری اسلامی دارد اعتراف میکند. همینکه اینها همینقدر را اعتراف میکنند گویای واقعیت بسیار عظیمی است که در جامعه ایران در حال نزج و شکوفایی است. یک انقلاب مردمی. روشن است که جلای پور تلاش میکند با نرم ترین زبان وضعیت وخیم حکومت اسلامی اش را بیان کند. جمهوری اسلامی نه فقط از نظر مشروعیت و مشارکت و کارایی با "مشکل روبروست" بلکه آشکارا پایه های مشروعیتش را در میان بخش زیادی از نیروهای وفادارش هم مدتهاست که از دست داده است. این حکومت هیچگاه در میان کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، جوانان حقانیت و مشروعیتی نداشته است و امروز همه مردم مصممند و در تلاشند که این حکومت و کل سیستم چپاول و جنایت و تخریب حاکم را هرچه زودتر به زیر بکشند و خود را از شر جهنم اسلامی که جلای پور یکی از جنایتکارانش بوده است، خلاص کنند.

مدتهاست که یک انقلاب دیگر در چشم انداز جامعه قرار گرفته است و با صلابت دارد گام بر میدارد. انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی.

از همان سال ۵۷ یکی از اهداف سر کار کشیدن خمینی و جمهوری اسلامی توسط دولتهای ارتجاعی این بود که نه فقط انقلاب را به خون بکشند بلکه حتی مفهوم انقلاب را لجن مال کنند. قرار بود کاری کنند که مردم از انقلاب کردن علیه اقلیت حاکم برای همیشه زده شوند. اما آشکارا این ماموریت شکست خورده است و فضای جامعه بگونه ای است که جانیانی نظیر جلای پور و بقیه حکومتیان سابق و امروز یک روز در میان در مورد انقلاب آتی

انقلابی که در چشم انداز قرار دارد فقط نمیخواهد جمهوری اسلامی را سرنگون کند. بلکه میخواهد منزلت و معیشت را حق همه مردم اعلام کند، حاکمیت سرمایه دار مفتخور و حقوقهای نجومی را پایان دهد، حجاب و تاجر و یکه تازی اسلامی را به زباله دان بیندازد، سنت مرگ و عزا و عقب گرد و توحش را در سوراخ کند، و کلا انقلابی است برای خلاصی از کل مناسبات و سیستمی که این حکومت منفور بر آن سوار است. انقلابی علیه عقب ماندگی و یکه تازی مذهب، علیه مافیای سرمایه داری و حقوقهای نجومی یک اقلیت و فقر و زندگی زیر خط فقر اکثریت، انقلابی برای گشودن در زندانها و پایان دادن به دوره سرکوب و زندان و دیکتاتوری، انقلابی برای رهایی زنان، جوانان و کل جامعه از ستم و تبعیض و تحقیر، و انقلابی برای برپایی جامعه ای شاد و رنگی و مدرن و مرفه.

«یک انقلاب انسانی و امروزی برای جامعه ای انسانی در راه است»

چشم انداز قرار دارد فقط نمیخواهد جمهوری اسلامی را سرنگون کند. بلکه میخواهد منزلت و معیشت را حق همه مردم اعلام کند، حاکمیت سرمایه دار مفتخور و حقوقهای نجومی را پایان دهد، حجاب و تاجر و یکه تازی اسلامی را به زباله دان بیندازد، سنت مرگ و عزا و عقب گرد و توحش را در سوراخ کند، و کلا انقلابی است برای خلاصی از کل مناسبات و سیستمی که این حکومت منفور بر آن سوار است. انقلابی علیه عقب ماندگی و یکه تازی مذهب، علیه مافیای سرمایه داری و حقوقهای نجومی یک اقلیت و فقر و زندگی زیر خط فقر اکثریت، انقلابی برای گشودن در زندانها و پایان دادن به دوره سرکوب و زندان و دیکتاتوری، انقلابی

انگار همه انقلابات، خمینی و حکومت اسلامی استفراغ میکنند! انگار خمینی را نه کنفرانس گوادلوپ و تعفن سرمایه داری، بلکه انقلاب مردم پس انداخته است. همانقدر که روشن است که اصلاحات دو خردادی سالیهاست که با رسوایی و فضاحت دود شده است و هوا رفته است و جایی در میان حکومتیان هم دیگر ندارد، همانقدر روشن و آشکار است که انقلاب علیه جمهوری اسلامی و برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی در افق جامعه مثل خورشید دارد خود نمایی میکند و جایگزینی برای آن نه در دورن حکومت و نه در بیرون آن وجود ندارد.

جا دارد این را هم همینجا تاکید کنیم که انقلابی که در

هشدار میدهند. ماموریت دوم خردادها همیشه این بوده است که مردم را از انقلاب بترسانند. هنوز هم اینها ماموریت خود را ایجاد ترس از انقلاب تعریف کرده اند و مدام تلاش میکنند کالای بنجل و رسوای اصلاحات کذایی شان را به جای سرنگونی به خورد جامعه دهند و حکومت اسلامی شان را از انقلابی که در راه است نجات دهند. جلای پور در همین مصاحبه با روزنامه اعتماد میگوید "یکی از درسهای مهم تجربه انقلاب این است که برای تغییر ابعاد نامطلوب جامعه از راه «اصلاحات» اقدام کنید، زیرا پیامدهای انقلابها پرهزینه است"

این مزخرف ترین حرفی است که امروز میتوان زد.

قلب فریده آرمان عزیزاز حرکت باز ایستاد! حزب کمونیست کارگری ایران



با تاسف فراوان به اطلاع می‌رسانیم که فریده آرمان از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران، کمونیست محبوب و سرشناسی که ۴۲ سال از زندگی‌اش را بی‌وقفه برای آرمان‌های شریف انسانی مبارزه کرد و یکی از سرسخت‌ترین مدافعین حقوق زنان و کودکان و پناهندگان، امروز ۲۲ آوریل (۲ اردیبهشت ۱۴۰۰) پس از هشت سال و نیم جدال بی‌امان با بیماری سرطان در سن ۶۴ سالگی در شهر مالمو سوئد چشم از جهان فرو بست.

فریده آرمان نماد بارزی از انسانیت، عشق، صداقت، فداکاری، شهامت و سرسختی در زندگی و در مبارزه برای سعادت انسانها بود. او به رود جاری خروشان آزادی و برابری و جنبش وسیع جهانی از قید ستم و استثمار و به خانواده بزرگ انسانیت تعلق داشت و از همان زمان کودکی که در یک خانواده کارگری بزرگ شد عواطف قوی انسانی‌اش برجستگی خاصی داشت.

فریده در سالهای طولانی زندگی‌اش در کشور سوئد به صدای زنان و کودکانی تبدیل شد که در محیط خانواده مورد خشونت قرار گرفته بودند و دریچه‌ای از نور را به زندگی آنها گشود. تلاش‌هایی که بارها از سوی جامعه سوئد مورد تقدیر قرار گرفت و جوایزی را نیز نصیب وی ساخت. او ناممکن‌ها را ممکن می‌کرد و در دل سیاهی‌ها درهای امید را به روی دیگران می‌گشود. او الهام بخش دیگران برای یک زندگی شایسته انسان بود.

جمهوری اسلامی در سال ۶۲ همسر اولش مهدی میرشاهزاده را اعدام کرد و همسر دومش غلام کشاورز را، در سال ۱۹۸۹ در مقابل چشمان او در قبرس ترور کرد اما فریده مانند کوهی استوار ایستاد و خشم و نفرتش علیه جمهوری اسلامی را به شور

فریده آرمان نماد بارزی از انسانیت، عشق، صداقت، فداکاری، شهامت و سرسختی در زندگی و در مبارزه برای سعادت انسانها بود.

در قلب همه ما خالیست. او یکی از ستون‌های حزب کمونیست کارگری بود و مرگ او ضایعه بزرگی برای حزب و جنبش جهانی‌اش و سوسیالیستی است. فریده از میان رفت اما زندگی پر بار و زیبای وی سرمشق و منبع الهامی برای همه ما در زندگی و مبارزه خواهد بود. یاد فریده آرمان همیشه عزیز و گرامی خواهد ماند!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آوریل ۲۰۲۱، ۲ اردیبهشت
۱۴۰۰

حزب کمونیست کارگری ایران درگذشت فریده آرمان عزیز را به همه اعضای خانواده وی پری، امید، اسحاق، آرش و کاوه، به همه اعضا و دوستداران حزب، به مردم آزادیخواه ایران و به زنان و کودکانی که فریده آرمان برای بهتر کردن زندگی‌شان در سوئد تلاش کرد و به همه یاران و دوستانش از صمیم قلب تسلیت می‌گوید.

درگذشت فریده آرمان برای تمام کسانی که او را می‌شناسند یک رویداد تلخ و دردناک است و جایش همیشه

دشمنان مردم و سختی‌ها می‌ایستاد، کسی که سازمان‌دهنده دهها اعتراض و آکسیون علیه جمهوری اسلامی و اجحاف و بی‌عدالتی بود، کسی که در سخت‌ترین شرایط، خنده از لبانش نمی‌افتاد و به همنوعانش خالصانه مهر و عشق می‌ورزید.

یکی از میراث‌های سیاسی فریده آرمان، ثبت روز ۲۷ دسامبر به عنوان روز جهانی مبارزه علیه حجاب اجباری است که بنا به پیشنهاد و ابتکار وی تعیین گردید.

مبارزه علیه این حکومت و نظام سیاه سرمایه‌داری تبدیل کرد. عشق به زندگی، عشق به کودکان، عشق به طبیعت، عشق به انسانها و عشق به مبارزه و حزبش همواره در او می‌درخشید. هر جا بود محبت بیدریغ دوستان و اطرافیانش را بخود جذب میکرد و دوستان و اطرافیانش همیشه طعم محبت‌های مخلصانه‌اش را چشیده‌اند. انسان بزرگی که شور زندگی در او موج می‌زد، کسی که عاشقانه برای رهایی انسانها مبارزه می‌کرد، کسی که با صلابت و استوار در مقابل

پیام حمید تقوائی به مردم دنیا: در برابر جنایت شلیک عامدانه به پرواز ۷۵۲ سکوت نکنید!



MI NOTE 9
DUAL CAMERA

مسافرت در شرایط بحرانی حکومتی بود که میخواست خود را از فشار اعتراضات کوبنده توده مردم خلاص کند. این جنایت در تاریخ حتی خونریزترین دیکتاتوری های جهان بی سابقه است.



این جنایت بی سابقه باید پاسخ کوبنده ای بگیرد. جهان متمم، مردم دنیا و نهادها و احزاب و نیروهای مترقی و هر دولت و نهاد بین المللی که کمترین ادعای دفاع از حقوق بشر و مقابله با تروریسم را دارد باید این جنایت تکان دهنده را قاطعانه و صریحا محکوم کند و خواستار آن باشد که عاملین و آمرین آن که مقامات جمهوری اسلامی هستند به محاکمه کشیده بشوند.

دبیر شورای دفاع و امنیت ملی اوکراین با تأیید وزارت خارجه این کشور اعلام کرده است که جمهوری اسلامی به هواپیمای مسافربری پرواز ۷۵۲ عامدانه شلیک کرده است. وقتی در دیمه سال گذشته این جنایت اتفاق افتاد همه شواهد نشان میداد شلیک به این هواپیما عامدانه بوده است و این را ما همان زمان اعلام کردیم. اکنون دولت اوکراین هم به همین نتیجه رسیده است.

جمهوری اسلامی باید به خاطر این جنایت صریح و آشکار در جهان بایکوت و منزوی شود. این خواست خانواده های قربانیان است که حتی اجازه نیافتند مراسم سوگواری برای عزیزانشان برگزار کنند. این خواست همه مردم ایران است که سالهاست برای بزرگداشتن جمهوری اسلامی پیگیرانه مبارزه میکنند، و این خواست همه مردم متمم دنیا است که میخواهند جهان از لوث وجود حکومت های جنایتکاری نظیر جمهوری اسلامی پاک شود.

شلیک به هواپیمای اوکراینی که باعث کشته شدن همه ۱۷۶ نفر سرنشینان آن شد مصداق کامل قتل عمد دولتی است. این یک جنایت بیسابقه در تاریخ جهان است. تاکنون هیچ دولتی در حریم هوایی خودش به یک هواپیمای مسافربری، حتی سهوا، شلیک نکرده است. حتی در قوانین مربوط به مقابله با هواپیما رباتی و تروریسم هوایی چنین جنایتی پیش بینی نشده است. جهان نباید در برابر این جنایت هولناک سکوت کند.

پیام من به همه مردم آزاده جهان اینست که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنان است. از دولتهای پتان بخواهید که جمهوری اسلامی را بعنوان حکومت ایران به رسمیت نشناسند و آنرا از نظر سیاسی و نظامی و فرهنگی و ورزشی بایکوت کنند. از نهادهای بین المللی بخواهید که مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت، از جمله بخاطر کشتار سرنشینان بیگناه یک هواپیمای مسافربری، به محاکمه بکشند. جای رهبر و مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی نه در حاکمیت بلکه در پشت میله های زندان است.

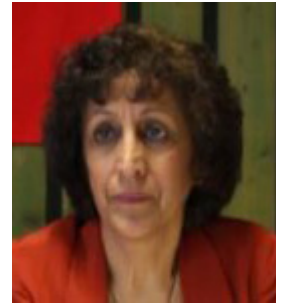
جمهوری اسلامی در جنایت علیه بشریت کارنامه قطوری دارد. از نسل کشی و اعدامهای جمعی تا شلیک به مردم معترض در تظاهراتها، تا اسیدپاشی بروی زنان و تا شکنجه و جنایت هر روزه در زندانها. شلیک به هواپیمای مسافربری تنها اقدام جنایتکارانه قاتلین حاکم بر ایران نیست، اما شنیع ترین و غیرقابل توجیه ترین است. سرنشینان هواپیما حتی بر اساس قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی هیچ جرم و گناهی نداشتند. نه در تظاهراتی شرکت کرده بودند و نه در مدیای اجتماعی اعتراضی کرده بودند و نه تابوها و مقدسات و "هنجارهای" کبک زده اسلامی را زیر پا گذاشته بودند. اینها هیچیک جرم نیست، اما تنها جرم ۱۷۶ نفر قربانیان شلیک به هواپیما

حمید تقوائی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ آوریل ۲۰۲۱

**جمهوری اسلامی
باید به خاطر این
جنایت صریح و آشکار
در جهان بایکوت و منزوی شود.**



پیام به مناسبت روز جهانی کارگر



شهلا دانشفر

اول مه روز همبستگی جهانی کارگران، روز کیفرخواست علیه سرمایه و همه ستم گری هایش و روز قدرتمندی طبقه کارگر است. روز نه به دنیای وارونه سرمایه داری و سردادن ندای آزادی، برابری و جهانی شایسته انسان است.

طبقه کارگر پیشناز و در صف جلوی این اعتراض قرار دارد. اما این روز، روز اعتراض همه مردم به جان آمده از توحش و بربریت سرمایه داری حاکم است. روز همه کسانی است که میخواهند فقر نباشد، ستم نباشد، استثمار نباشد، تبعیض علیه زن نباشد، سرکوب و زندان نباشد و خواهان جامعه ای پر از رفاه و شادی برای همگان اند. روز مردم به پا خاسته ای است که جامعه ای آزاد و برابر را در اعتراض هر روزه خود دارند فریاد میزنند. جامعه ای که اساسش بر پاسخ به نیازهای انسانها بنا شده است. جامعه ای که در آن قدرت مافوق مردم وجود نداشته باشد و بر اساس خواستها و نیازهای مردمی سازمان یافته باشد. جامعه ای که در آن انسانها با بدست آوردن دوباره اختیارشان، خود سرنوشت و آینده شان را رقم میزنند. جامعه ای شورا محور و متکی بر اراده مردم. یک جامعه سوسیالیستی.

ویژگی اول مه امسال در ایران این است که این گفتمان ها دیگر نه فقط در سطح آرزوهای انسان هایی آرمان خواه و کمونیست بلکه به فریاد اعتراضات کف خیابان تبدیل شده است و در بیانیه ها، قطعنامه ها و سخنرانی های رهبران معترض کارگری،

این پرچم صدای اعتراضشان به حقوق های نجومی و دزدی ها و اختلاس ها بالاست. امروز رساتر از هر وقت فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد بلند است و جامعه دارد حقوق و آزادیهای سیاسی پایه ای خود را طلب میکند. امروز جنبش نه به اعدام به یک جنبش قدرتمند در ایران تبدیل شده و آوازه اش جهانی شده است. امروز در ایران با یک جنبش قدرتمند در دفاع از حقوق کودک روبرویم. امروز در تمام عرصه های مبارزاتی همچون ال جی بی تی ها و زیست محیطی ها و غیره با جنبش های اعتراضی قدرتمندی روبرویم که گفتمان هایی

چپ و رادیکال است. و بالاخره اینکه قدرت جنبش رهایی زن را در هشت مارس، روز جهانی زن در امسال و ابعاد اجتماعی و توده ای اش دیدیم. همه اینها پایه های استوار روز جهانی کارگر، این روز اعتراض علیه سرمایه داری را میسازد و امروز ما کارگران بر روی شانه های چنین جنبش عظیم آزادی خواهی و برابری طلبی ای در سطح جامعه است که به

استقبال اول ماه مه میرویم. بازتاب این تحولات را در گفته هایی از خود حکومتیان تا طیف های مختلفی از راست و چپ از جمله از زبان کسانی که تا دیروز از اینکه اسلام با حقوق بشر منافاتی ندارد دم میزدند، به روشنی میشود دید. از جمله امروز حتی راست ترین بخش های جامعه نیز سر تعظیم فرود آورده و از اینکه آلترناتیو شان نبشکر هفت تپه است سخن میگویند. در گفته هایشان به این معترف میشوند که اگر انتخاباتی صورت گیرد شانس با عدالتخواهان و سوسیالیستها خواهد بود.

این ها همه نوین و بیسابقه هستند. شورانگیز و شفاف آورند و در دل چنین شرایط تحول سازی است که به استقبال روز جهانی کارگر میرویم.

قطعنامه ها و بیانیه های اول مه امسال بطور واقعی از قبل و در کف خیابان نوشته شده است پیام اول مه امسال، سوسیالیسم و آزادیخواهی

است. پیام اول مه امسال اداره شورایی و جمع شدن قدرت مافوق مردم و بازگرداندن اختیار انسانها به آنهاست. پیام اول مه امسال در عین حال بایکوت جهانی جمهوری اسلامی بخاطر بیش از ۴۰ سال حاکمیتش است.

دوستان کارگر! معلمان! بازنشستگان! و کل خانواده طبقه کارگر!

این مهم است که شما که خود فاکتور اصلی کشیده شدن اوضاع به چنین مرحله ای هستید قدرت خود را ببینید و با اتکا با این قدرت سراسری، گام های بعدی را به پیش بردارید. مصمم و استوار صفوف خود را متحد کنید و برای رهایی از این بردگی مزدی تلاش کنید. تمام جامعه به شما چشم دوخته است و بطور واقعی این شما کارگران هستید که میتوانید جامعه ای انسانی، آزاد، برابر و شاد را به ارمغان بیاورید.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

موقعیت بالنده چپ و بی افقی راست



اصغر کریمی

علیه چماق مذهب و استفاده از مذهب برای بدبخت کردن مردم، نفرت عمومی از آخوند و مسجد و مذهب و سنت های عقب مانده، سطح توقعات بالای کارگر و مردم زحمتکش، فضایی که شعار اداره شورایی در یک مجمع کارگری را به یک شعار عمومی در جامعه تبدیل میکند، مطالبات رادیکال نهادهای مختلف حقوق زن و حقوق کودک و محیط زیست و دفاع از حیوانات در مقابل فرهنگ عقب مانده اسلامی و سنتی، مطالبات رادیکال و انسانی جنبش دادخواهی، خوشنامی و محبوبیت کمونیسم در سطحی اجتماعی و وزنه سنگین آن در اپوزیسیون، وجود چهره های کمونیستی سرشناس و محبوب و با نفوذ در جامعه، جلو آمدن صفی از رهبران کارگری با نفوذ و موقعیت آنها که از محدوده جنبش کارگری بسیار فراتر است، موقعیت جنبش کارگری بعنوان مهمترین جنبش اعتراضی، دست بردن به اشکال مدرن مبارزه توسط کارگران، نقش زنان و خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی، بدست گرفتن مطالبات کل جامعه توسط نهادها و رهبران جنبش کارگری مانند درمان رایگان، تحصیل رایگان، لغو مجازات اعدام، آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده، آزادی زندانیان سیاسی و برابری زن و مرد و یا مطالبات رفاهی، تغییر موقعیت کارگر در ذهنیت جامعه، رشد فرهنگ مدرن، سکولار و انسانی در جامعه، رشد آگاهی عمومی مردم و درک سوسیالیستی، هرچند خام آنها از مصائب اجتماعی و حقوق خود و زیر سوال رفتن توجیحات الهی و مذهبی فقر و نابرابری در اذهان توده های مردم، اینها و دهها مورد دیگر از این دست نشانه های بارز قدرت کمونیسم در عمق جامعه و منحصر بودن جامعه ایران در مقایسه با سایر کشورها است.

رضا پهلوی در مصاحبه ای با صدای آمریکا بر نکته مهمی انگشت گذاشت که در حکومت بعدی «با این اختلاف طبقاتی و وضعیتی که برای معیشت پیش آمده به احتمال خیلی قوی در یکی دو دهه اول حکومت بعد از جمهوری اسلامی، یک حزب با برنامه عدالت اجتماعی و سوسیالیستی بیشتر رای خواهد داشت. چون این دغدغه اصلی مملکت است».

این اعتراف توسط شاخص ترین چهره اپوزیسیون بورژوازی به موقعیت برتر یک حزب سوسیالیستی در آینده پس از سرنگونی جمهوری اسلامی ناشی از مشاهده موقعیت همین امروز چپ و کمونیسم در جامعه ایران است. همان مشاهده ای که چند هفته قبل تر نیز رضا پهلوی را به این نتیجه رساند که داعیه تاج را کنار بگذارد و خواهان نظامی انتخابی شود. فاکتورهای مشابه زیادی را در سال های اخیر شاهد بوده ایم که همگی دلالت بر موقعیت ویژه کمونیسم در جامعه ایران میکند. جامعه ای که از این نظر به نمونه ای منحصر به فرد در جهان تبدیل شده است.

همبستگی طبقاتی که در سالهای گذشته در جامعه ایران شکل گرفته است، همبستگی دانشجویان با کارگر، بازنشسته با معلم، معلم با پرستار و کارگر با بقیه، شعارهای رادیکال تجمعات اعتراضی علیه حقوق های نجومی و فلاکت عمومی،

اعتصاب اعتراض تجمع مبارزه
اداره شورایی آزادی زن نه به حجاب اجباری
نه به اعدام آزادشان کنید
دفاع از حقوق دفاع از محیط زیست
نه به کار کودک نه به استثمار
نه به حکومت فاسد نه به شکاف طبقاتی
نه به تبعیض جنسیتی نه به بی حقوقی
زنده باد اداره شورایی زنده باد همبستگی
طوفان تویتری دفاع مردم از زلزله و سیل زدگان
هفت تپه بازنشستگان رانندگان کامیون کارگران شهرتاری پرستاران مددجویان هبکو
معلمان آبان ۹۷ جوانان دانشجویان رنگین کماتنی ها کارگران سد کولبران کارگران نفت
کارگران راه آهن جنبش دادخواهی زندانیان معترض مدافعان محیط زیست ...

دیگر یعنی کمونیسم کارگری و حزب سیاسی آن در جامعه است.

این واقعیات تاکید دیگری بر حقانیت اهداف، آرمان و سیاست های کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری، و فراخوانی در جهت تلاش هرچه بیشتر برای تقویت این جنبش و پیوستن به صفوف این حزب است. فراخوانی به حضور فعال در همه عرصه های مبارزه، با اعتماد بنفس، با خوشبینی و در عین حال تلاش برای غلبه بر موانعی است که هر روز و هر لحظه بر سر راهمان قرار میگیرد. فراخوانی به همه ما برای تشویق هر انسان شریف و آزاده ای برای گرد آمدن حول برنامه های و اهداف و سیاست های انسانی کمونیسم کارگری و حزب آن است.

ای و منابع مالی و داشتن حمایت برخی دول غرب ناکام مانده است. رژیم پنج و فرزاندم و نافرمانی مدنی و دخالت نظامی شان تماما به کنار رفته است. حتی یک حزب یا سازمان سیاسی جدی در چهل سال گذشته نتوانستند درست کنند، شورای ملی ایران و فرشگرد و حزب مشروطه و دور همی های دیگر آنها تحت عناوین مختلف کوچکترین جایگاهی پیدا نکرده است، فاقد شخصیت های مورد اعتماد و با نفوذی در جامعه هستند، یک برنامه سیاسی و یک پلاتفرم مبارزاتی یک صفحه ای با ثبات نتوانستند به جامعه ارائه دهند و حول آن اتحادی شکل بدهند و اکنون با کنار گذاشتن تاج سلطنت توسط رضا پهلوی متشتت تر و بی آینده تر شده اند. جنبش ملی اسلامی نیز تماما جایگاه خود را از دست داده است. اینها نیز پدیده هایی و این تحولات مهم سیاسی ناشی از دست بالا پیدا کردن جنبشی دیگر و گرایشی

و این موقعیت تصادفی نیست و خودبخودی شکل نگرفته است. این قبل از هر چیز حاصل تلاش پیگیر و طولانی مدت، گسترده و بی تخفیف یک کمونیسم سیاسی، اجتماعی و علنی و دخالتگر و حزبی فعال در عرصه های مختلف مبارزه، با حضور مدیایی وسیع و تبلیغات ۲۴ ساعته در مورد ریشه های مصائب مردم و راه رهایی آنها و دادن تصویری انسانی و مدرن و قرن بیست و یکمی از کمونیسم و یک جامعه انسانی و عملی بودن آن بوده است. چپ های زیادی ما را متهم به بزرگ بینی کرده اند و هنوز هم میکنند. ما را خوشبین میخوانند، ادعا میکنند موانع را نمیبینیم، قدرت راست را دست کم میگیریم. دیگران موقعیت کمونیسم را میبینند و به آن اذعان میکنند اما متأسفانه برخی چپها نمیخواهند قبول کنند. نمیخواهند ببینند که تقریباً تمام پروژه های سیاسی اپوزیسیون بورژوازی علیرغم امکانات رسانه

ویژه فریده آرمان عزیز

پیام تسلیت و همدردی به مناسبت درگذشت فریده آرمان

روز پنجشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ برابر با ۲۲ آوریل ۲۰۲۱ قلب مهربان فریده آرمان، زن مبارز و کمونیست پس از مدتها مقاومت در برابر بیماری سرطان در کشور سوئد باز ایستاد و نزدیکان و دوستانش را در اندوه فراوان فرو برد.

فریده آرمان انسانی مبارز، رزمنده و قابل احترام بود که در سخت ترین شرایط، تلاش و مبارزه برای جامعه برابر و تحقق آرمان های انقلابی اش را از دست نداد. او هم‌رزم و همسر زنده‌یادان مهدی میرشاهزاده که در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۳ در «زندان اوین» اعدام شد و غلام کشاورز که در مردادماه سال ۱۳۶۸ در «لارناکای قبرس» توسط تروریست‌های رژیم اسلامی ایران در مقابل چشمان او خانواده اش ترور شد، بود.

فریده آرمان از سرکوب های خرداد ۶۰ رژیم اسلامی جان سالم بدر برد و به کردستان رفت و سال ها در صفوف حزب کمونیست ایران به مبارزه اش ادامه داد. فریده در ادامه مبارزاتش به حزب کمونیست کارگری ایران پیوست و در صفوف این حزب مبارزه خود را ادامه داد. او در چند دهه گذشته و حتی در دوران بیماریش در دوره اخیر هم یک لحظه از مبارزه بر علیه ستم و نابرابری های جامعه سرمایه داری و رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی آرام ننشست.

ما ضمن ابراز تاسف و اندوهمان به خاطر درگذشت فریده عزیز، تسلیت و همدردیمان را به خانواده و بستگان وی و حزب کمونیست کارگری ایران ابراز می داریم.

یادش گرامی باد!

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

۲۲ آوریل ۲۰۲۱



فریده شور و سمل زندگی بود. او خود زندگی بود. افسوس که خیلی زود او را از دست دادیم.

اصغر کریمی

بدرود رفیق جان، بدرود فریده عزیز!

فریده آرمان، رفیق عزیز، زنی مبارز، انقلابی، رادیکال و در عین حال دوست داشتنی و مهربان را از دست دادیم!

همین حالا که خبر از دست دادنش را گرفتم، چند دقیقه ای میشد خبر انتخاب جمهوری اسلامی در کمیسیون حقوق زنان سازمان ملل را گرفته بودیم.

نمیدانستم باید سوگواری کنم یا اعتراض علیه اقدام غیر انسانی سازمان ملل، که با تعدادی دیگر از عزیزان در حال سازمان دادنش بودیم را ادامه بدهم و فقط یک لحظه، یک لحظه یادآوری تلاشها، اقدامات و تمام ایده های خوب فریده که ما را بخط میکرد و به همه انرژی میداد تا صدای زنان و حقوق برابر آنها باشیم، وادارم کرد کارم را ادامه بدهم و نیمه رهائش نکنم.

از دست دادن فریده عزیزمان، زنی، پرشور، مبارز، انقلابی، مهربان و دوست اشتی و رفیقی تمام عبار که همیشه برای ارتقا رفقایش تلاش میکرد را به خواهر نازنین و خانواده عزیز فریده، تمام اعضا کادرها و لیدر حزب کمونیست کارگری ایران و تمام انسانهای شریف، آزاده و برابری خواه تسلیت میگویم.

ادامه از صفحه ۷



پیام همدردی و تسلیت به کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت درگذشت رفیق فریده آرمان!

با نهایت تأسف درگذشت رفیق فریده آرمان عضو کمیته مرکزی حزب را به اعضا این کمیته و به تمام اعضا حزب و رفقا و دوستانش و به اعضا خانواده اش پری، امید، اسحاق، آرش و کاوه، تسلیت میگوئیم. خود را شریک اندوه شما میدانیم. رفیق فریده کمونیست پرشور با استقامت و توانای جنبش رهایی انسان از هر گونه قید و بند و بیعدالتی و استثمار بود و بیش از چهار دهه از عمر خود را صرف مبارزه برای رهایی و رفاه انسان نمود.

یاد و خاطره مبارزات و سیمای همیشه مهربان رفیق فریده آرمان گرامی باد.

مبارزان کمونیست ۲۲ آپریل ۲۰۲۱
۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

فریده جان به درود!

به پریش، امید و دوستان بسیار نزدیک فریده که در این مدت صمیمانه و انسانی در کنار فریده روزها و ساعتهای پُر از دلشوره و هراس را تجربه کردند، در کنار انسانی بزرگ که تمامی عمر مفیدش را برای رهایی و آزادی بکار گرفته بود، انسانی که اعتراض و مبارزه و دادخواهی اش یک لحظه هم خاموش نمیشد، در کنار انسانی که آرمانخواهی سوسیالیستی در او موج میزد، که محبت و دوستی و احترام و کمک همیشه همراهش بود، انسانی که ستون محکم و استوار حزبش بود که برایش هر روز حضور داشت، انسانی که انسان محور دوستی و روابط اجتماعی اش بود، انسانی که ما هر باره در مالمو و محل کارش به دیدنش میرفتیم انسانهای با محبتی از کشورهای سوئد، آفریقا، و اروپا همکار و دوستش بودند، در کنار صدها زن که او عاشقانه برای حل مصائب اجتماعی و خشونتهایی که به آنها میشد حضور داشت و چراغ روشنی برای افق رهایی از ستم در دستش بود، انسانی که حقوق کودک برایش آرمان انسانی بود، صمیمانه تسلیت میگوییم.

فریده دوست صمیمی هزاران نفر از انسانهای مبارز و انقلابی بود که از بیش از چهار دهه گذشته برایشان در مبارزه مشترک برای آزادی و رهایی و کرامت انسانی شناخته شده بود.

به حزب کمونیست کارگری ایران تسلیت عرض میکنیم.

فریده هم‌رمز انقلابی و هم سنگر خوب و پیگیر ما بود. فریده جان افتخار میکنیم راه و اهداف تو را میتوانیم ادامه دهیم.

فریده جان بدرود

بروین معادی. نسان نودینیان
۲۲ آپریل ۲۰۲۱

فریده عزیز در میان ما رفت. فریده آرمان یک پارچه شور و شوق به زندگی بود. فریده صدای کودکان بی صدا و مدافع قاطع زنان و کودکان بود. یاد فریده همیشه در قلب ما زنده است. به پریش، آرش، اسحاق و کاوه و دیگر بستگانش و به همه مبارزین راه آزادی، برابری و رهایی از صمیم قلب تسلیت میگوییم.

کریم شاه محمدی

عمیقا متأسفم. فریده آرمان کمونیست پرشور، فراموش نشدنی است. یاد عزیزش گرامی. به همه بستگان و نزدیکان و به رهبری و اعضای حزب کمونیست کارگری تسلیت میگوییم و در این اندوه شریکیم.

رحمان حسین زاده

متأسفم. یک مبارز، یک سوسیالیست، یک باور زنان و کارگران و مادر کودکانی، یک یاور حزب و یک انسان مهربان و دوست داشتنی را از دست دادیم. به خانواده محترم آرمان و اعضای حزب و دوستدارانش تسلیت میگوییم. راهش پر رهرو.

یدالله ب کو

بدرود فریده قهرمان!

از سی و شش سال قبل فریده را می شناختم. سمبل مبارزه و مقاومت و انسان دوستی و محبت و کمک به دیگران!

سی و شش سال از نزدیک دیدم، چگونه زیست و چگونه مبارزه کرد. نسلی که به ظلم و ستم و نابرابری در دوره پهلوی و پس از آن از همان اولین روز شکل گرفتن و به قدرت رسیدن حکومت فاشیست اسلامی، با صدای بلند به این حکومت، نه گفت. فریده به همراه هزاران نفر، در مقابل حکومت اسلامی ایستاد و بیش از چهل سال بر علیه حکومت مبارزه کرد.. فریده آرمان تمام زندگیش را و همه لحظات نفس کشیدن خود را صرف مبارزه با این حکومت کرد و در هر جا که بود و قدم به هر جایی که گذاشت از انسانیت و حقوق انسانی و از یک زندگی بهتر برای همگان دفاع کرد. آرمان او ساختن زندگی بهتر برای همه مردم دنیا بود.

فریده آرمان کمونیست خستگی ناپذیر و فعال حقوق زنان و مدافع حقوق پناهندگان و مدافع زندگی انسانی برای همه، عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران امروز در شهر مالمو سوئد، چشم از جهان فروبست. یادش در تاریخ مبارزات مردم ایران برای زندگی بهتر و در تاریخ مبارزه علیه جنبش اسلامی و اسلام سیاسی در دنیا، جاودانه خواهد ماند. به درود فریده مهربان و دوست داشتنی!

مینا احدی

امروز فریده آرمان عزیزمان را از دست دادیم!

اگر او را نمیشناسید یک فرصت ارزنده برای آشنا شدن با یک انسان غیر معمول را از دست داده اید. انسانی که قلبش مملو از عشق بود و خالی از تعصب و کینه و ریا. او معجونی بود از فداکاری، شادی، عشق به انسانها، و از خود گذشتگی. تصور کنید کودکی را که با تمام احساسات پاک کودکی بزرگ شده باشد. به کینه و نفرت و تعصب و مذهب و ناسیونالیسم و پیش داوریهای غیر واقعی آشنا نشده باشد. کودکی که عقلش رشد کرده اما احساساتش همان احساسات پاک انسانی ای است که فقط کودکان دارا هستند. شاید این توصیف گویایی از فریده عزیزمان باشد. اما هنوز یک جنبه از شخصیت او را بیان میکند. فریده در زندگیش زخمهای عمیقی برداشت. مادر و خواهرش را خیلی زود با سرطان از دست داد. همسر اولش مهدی میرشاهزاده را جمهوری اسلامی در سال ۶۲ اعدام کرد. همسر دومش غلام کشاورز را در برابر چشمان خود و پدر و مادرش در لارناکای قبرس جمهوری اسلامی ترور کرد. دوستان زیاد دیگری را نیز با ترور و اعدام از دست داد. اما این فجایع باعث نشد که او امید و شادی و عزم شور زندگی و مبارزه را از دست بدهد. او هر جا که بود به انسانهای دیگر فکر میکرد و همه جا و همه وقت برای کمک کردن به زنان و کودکان و پناهندگانی که نیاز داشتند آماده بود.

با اینکه مدتها بود میدانستیم که سرطان وجود فریده را گرفته است و امکان نجاتش وجود ندارد، اما امروز که خبر درگذشتش را شنیدم واقعا شوکه شدم. باورم نمیشد. و برای از دست دادن او بسیار گریستم. جای فریده آرمان همیشه خالی است. درگذشت فریده عزیز را به امید و کاوه و آرش و به خواهر و برادرش پری و اسحاق و به همه رفقای حزبی و همه کسانی که به او عشق میورزیدند صمیمانه تسلیت میگویم. فقدان جبران ناپذیری است و همیشه جایش خالی است. امیدوارم بتوانیم از زندگی زیبای او بیاموزیم و بیاموزانیم.

کاظم نیکخواه

یاد فریده آرمان همیشه گرامی خواهد بود.

برای همه دوستان، همزمانش و بخصوص خانواده محترم ایشان آرزوی صبر و بردباری دارم. یادش گرامی

نیما سروستانی



فریده عزیزمان از میان ما رفت. درگذشت او را به پیوش و امید و آرش و کاوه و اسحاق و دیگر بستگانش، به همه اعضای حزب، و به همه مبارزین راه آزادی و رهائی انسانها صمیمانه تسلیت میگویم. او یک پارچه شور زندگی و نماد نبرد علیه همه پلیدیها بود. یاد عزیزش همیشه در قلب همه ما زنده است.

حمید تقوایی

فریده آرمان صدای زنان بیدار، مدافع سر سخت حقوق زنان و کودکان، حامی پناهندگان، رزمنده کمونیست، کسی که بیشتر عمر خود را وقف مبارزه برای یک دنیای بهتر کرد و در این راه سر آشتی با دشمنان مردم نداشت امروز در اثر بیماری سرطان درگذشت. زندگی زیبا و پرثمر فریده آرمان منبع الهام برای تدوام مبارزه ما برای پی افکندن یک دنیای بهتر است. یادش همیشه گرامی و عزیز است.

حسن صالحی

فریده آرمان رفیق عزیزمان هم رفت.

جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی و کمونیسم کارگری در ایران یکی از انسانهای بسیار شریف، عزیز و مبارز خستگی ناپذیری را از دست داد، کسی که بیش از چهار دهه از عمرش را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای یک دنیای بهتر وقف کرد، در اثر بیماری سرطان قلب بزرگ و انسانی اش از تپش باز ایستاد.

فریده آرمان، کمونیستی به معنای واقعی، حامی همه زنان از ایران تا افغانستان و کشورهای اسلام زده در آفریقا و غیره بود، او حامی و فعال در عرصه پناهندگان و در دفاع از حقوق کودکان بی وقفه مبارزه کرد. جایگاه فریده آرمان در قلب همه آزادیخواهان و در حزب کمونیست کارگری ایران خالی میماند، راهش را ادامه و یادش را گرامی میداریم.

یاد فریده آرمان عزیز برای همیشه در قلب ما خواهد ماند.

هزار

ادامه از صفحه ۹

بدرود فریده گیان!

دنیا بدون انسانهای مبارز، کمونیست و سرسخت مثل فریده تاریکتر و غیره قابل تحمل تر میشود!

قلم یارای نوشتن ندارد، زبان قاصر از بیان احساس این غم!

برای شناختن فریده لازم نبود مدتها با وی دوست باشید، رفیق و همسنگر باشید، خصوصیات برجسته و انساندوستانه اش در همان دیدار اول نامش و چهره همیشه خندانش را در وجودت حک میکرد. دلسوزی های فریده، مهربان هایش مرزی نداشت. فریده کمونیستی خستگی ناپذیر و مبارزی سرسخت حتی در بستر بیماری هم فریده با روحیه ای غیره قابل توصیف کف خیابان و میدان مبارزه را خالی نکرد! فریده نازنین مرگ را هم به سخره گرفت!

مرگ فریده همه ما را متاثر کرد، و قلبمان را بدرد آورد، فریده رفیق نازنین بدرود! رفیقم بدرود.

نسرین رضاعلی

در کمال ناباوری فریده آرمان، رفیق عزیز و انسانی بی نظیر را از دست دادیم.

به خانواده و رفقایش مخصوصا رفقا در شهر مالمو سوید که رابطه بسیار نزدیکی با فریده داشتند تسلیت میگم. استقامت و عشق به زندگی و تلاش اش، ماه ها سرطانی را که به آن مبتلا بود را به عقب راند. همیشه لبخند بر لبش بود. قلبی پر از امید و زندگی سرشار از تلاش و امید به تغییر از خصوصیات بارز فریده بود. هر چند همه ما فکر میکردیم که یكروز سرطان بیرحم فریده را از ما میگیرد ولی هنوز خبر در گذشتش باور نکردنی است. یاد عزیزش گرمی به قول نوال السعداوی همه ما یكروز میمیریم ولی مهم اینست که چگونه زندگی کردیم. فریده در طول زندگی بر روی زندگی هزاران نفر تاثیر گذاشت. فریده را هرگز فراموش نمیکنیم. جای فریده در قلب همه ما است.

شیوا محبوبی

برای دوست از دست رفته ام...
فریده آرمان

میترا دانشی

فریده عزیزم
قلب مهربانت باز ایستاد!
طیش قلمت برای دنیای بهتر باز ایستاد!
عشق به زندگی ات باز ایستاد!
آقدر غمگینم که مینخواهم سرم را بگذارم روی دامن باران و تمام اشک های دنیا را گریه کنم.
رفیق تو بگو غم از دست دادنت را چگونه به خودم تسلیت بگویم؟
داغ دیدم و فهمیدم سوختن درد دارد
رفیق داسم و فهمیدم از دست دادن درد دارد
بدرود عزیز دلم... بدرود

ادامه در صفحه ۱۱



بدرود فریده عزیزم

یک ساعت پیش آخرین سفرمان به پایان رسید (سفر سه تفنگدار) و برای همیشه ما را ترک کردی. قرار بود این هفته سفر برویم اره سفر هم رفتیم بدون این که سوار قطار و هواپیما شویم و جای خاصی برویم. سفر سه نفره ما در خانه تو و کنار تخت تو بود چه هفته پر از اضطرابی بود بدون این که چمدان هایمان را باز و بسته کنیم بدون این که نگران گرفتن مرخصی من از سر کار باشی چه سفر تلخ و بی بازگشتی. بدرود دوست و یار و یاور زندگیم!

شیرین بهرامی

قلب مهربان فریده آرمان عزیز از تیش افتاد، با وجود تمام سختیها و عذابهایی که جمهوری جنایتکار اسلامی برایش به وجود آورده بود، لحظه ای از مبارزه و آرمانهای انسانیش کاسته نشد، از رفتن فریده بسیار متأسف شدم، به افراد خانواده و دوستان و آشنایان و تمام انسانهایی که قلبشان برای انسانیت می تپد، به همه رفقای حزبی تسلیت عرض میکنم.

جمیله میراکی

فریده جان باورم نمیشه! با وجود اینکه چند ماهی است دلشوره و هراس این لحظه را داشتیم. در انتظار آزاد شدن سفر بودم تا بتوانم یکبار دیگر در آغوش بگیرم. دنیا بدون انسان هایی مثل تو تاریک تر و بی امید تر است. تو جای بزرگی را در قلب من و بچه ها اشغال کرده ای. "خاله" نامیست که پسر من تو را با آن خطاب میکند. خیلی دوستت دارم. جایت همیشه خالی خواهد بود.

آذر ماجدی

امروز قلب پرطیش فریده آرمان از طیش باز ایستاد، انسانی دوست داشتنی و مهربان و انساندوست که در زندگی هزاران نفر تاثیر گذاشت، مبارزی سرسخت علیه نابرابریها با اینکه ضربات وزخمهای سنگینی از جمهوری اسلامی متحمل شده بود همچنان پابر جا و استوار علیه توحش و ارتجاع جمهوری اسلامی مبارزه میکرد، او در جبهه های مختلف میجنگید با قوانین ضد پناهندگی دولت سوئد با بی حقوقی و خشونت علیه زنان و این اواخر در جبهه جدالی سهمگین با بیماری سرطان و امروز باید به این رفیق عزیز گفت، بدرود مبارز قهرمان بدرود فریده عزیز، آرام بخواب عزیزم.

هرمزها

ادامه از صفحه ۱۰

بفریده عزیز را از دست دادیم.

بیماری لعنتی سرطان این اواخر روز به روز عرصه را به زندگی فریده تنگ کرده بود به همین خاطر با دوست عزیزم سحر دو روز قبل از درگذشتش به مالمو رفتیم و برای آخرین بار فریده عزیز را دیدیم.

فریده انسانی بزرگ و دوست داشتنی بود، یار و یاور زنانی بود که مورد خشونت خانوادگی قرار می‌گرفتند. مدافع راستین حقوق پناهندگی بود. در عرصه های مختلف مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از حق و حقوق انسانی سهم و نقش بالایی داشت. خوش قلب و مهربان و سرشار از عشق به مبارزه برای یک زندگی شایسته انسان بود. ماها که شانس دوستی و رفاقت و همکاری در عرصه های مختلف مبارزه سیاسی و تشکیلاتی با فریده را داشتیم، او به شخصیتی بسیار نازنین و مایه امید و افتخار ما تبدیل شده بود. فریده عزیزم، با تاسف فراوان در روندهای بعدی مبارزه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی جای تو در کنارمان خالی خواهد بود، اما یاد و خاطرات عزیزت همیشه با ما خواهد ماند. درگذشت فریده عزیزمان را به پیروش و امید عزیز و همه خانواده و بستگان و به دوستان عزیزم در شهر مالمو که در تمام طول این مدت هم مثل دوستان بسیار نزدیک و هم مثل پرستار در کنار فریده بودند و از وی مراقبت کردند صمیمانه تسلیت می‌گم.

عبدالله اسدی

خبر تاسف آور مرگ فریده آرمان یکی از کادرها و رهبران خستگی ناپذیر حزب کمونیست کارگری ما را در شوک و اندوهی بزرگ فرو برد .

مرگ این مبارز سترگ و خستگی ناپذیر ضایعه ای برای حزب و جنبش کمونیسم کارگری است . فریده آرمان را، با لبخندش، با عزم جزمش، و با پافشاری اش به مبارزه سوسیالیستی برای رهایی طبقه کارگر و همه مردم محروم و تحت ستم هیچکس فراموش نمی کند . او تجسم ایستادگی بر آرمان های انسانی و کمونیستی، تجسم تلاش خستگی ناپذیر برای امنیت دادن به مهاجرین و تلاش برای کودکان و زنان آسیب دیده از خشونت و قوانین ظالمانه غیر انسانی بود . فریده حامل همیشگی دو غم بزرگ زندگی خود و دو فراغ بزرگ در زندگیش بود . غم و فراغ از دست دادن همسر اولش مهدی میرشاهزاده یکی از کادرها و رهبران برجسته مارکسیزم انقلابی و اتحاد مبارزان کمونیست که توسط جمهوری اسلامی در سال ۶۲ به جوخه آتش جلادان سپرده شد و دیگری غم فراغ از دست دادن همسر دومش غلام کشاورز یکی دیگر از کادرها و رهبران برجسته مارکسیزم انقلابی، اتحاد مبارزان کمونیست و حزب کمونیست ایران که در جلوی چشم فریده آرمان، مادر و برادر غلام در قبرس توسط تروریست های اعزامی جمهوری اسلامی در سال ۶۸ به قتل رسید . فریده آرمان تجسم شور و عشق به آرمانهای کمونیستی و رهایی مردم و طبقه کارگر از بدبختی ها و مصائب جامعه سرمایه داری بود . هیچکس نمی تواند فعالیت های خستگی ناپذیر فریده را در عرصه های مختلف فعالیت اجتماعی سیاسی انسانی فراموش کند. او تجسم عشق به کودکان و تلاش برای ساختن بهترین دنیاها برای کودکان حال و آینده بود.

با تجدید پیمان با آرمان های رهاییبخش کمونیستی فریده آرمان و اطمینان به ادامه مبارزه در راه و مسیری که فریده پیمود، پیمان می بندیم که تا پیروزی و برقراری یک جامعه ی سوسیالیستی و انسانی از پای ننشینیم. این تجدید پیمان بهترین گرامیداشت یاد و خاطره از دست دادن رفیقی است که هیچگاه کوتاه نیامد تزلزل به خود راه نداد و تا جان در بدن داشت ایستاد و مبارزه کرد. یاد و خاطره اش در دلهای ما همزمان و همسنگران و در قلب انسانهای شریف همواره زنده و جاودان باد!

حمید صداقت و جمعی از دوستداران حزب در ایران
۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

خنده اش سبیل رومی بود
و مگ بود
و فراست بود
فریده آرمان مبارز خستگی ناپذیر، زنی که تمام زندگی اش مبارزه برای رفاه و برابری و آزادی انسان بود، قلب
مهربانش از پیش باز ایستاد.
فریده عزیز
یاد عزیزت و آرمانهای انسانیت با ما خواهد بود.

خسرو از ایران

فریده دیگر نفس نمی‌کشد و حیف که از داشتنش محروم هستیم.

امیر عسکری

عکس: (مراسمی در دسامبر ۲۰۱۸، فریده در حال دادن هدیه به کودکان پناهجو در شهر مالمو سوئد).



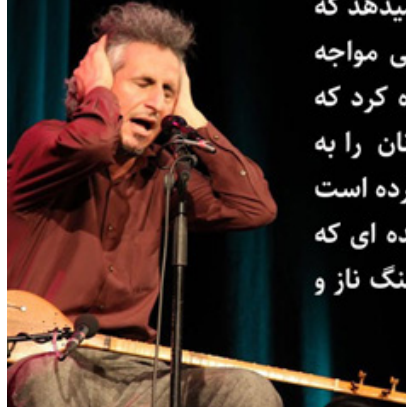
او زنی بود دوست داشتنی، زنی مدافع حقوق زنان، مدافع حقوق کودکان، مدافع حقوق انسانها، مدافع یک محیط زیست سالم و مخالف هر نوع تبعیض و نابرابری و بی‌عدالتی در جهان.

فریده زندگی را دوست داشت، از زندگی اش لذت برد و به بودن خود در این جهان تا آخرین لحظات حیاتش افتخار کرد. او یک زن کمونیست بود و ما هم به بودن در کنار فریده و هم‌رزم بودن و هم حزبی بودن با او افتخار می‌کنیم. فریده آرمان امروز در سن ۶۴ سالگی در شهر مالمو سوئد چشم از جهان فروبست.

جلیل جلیلی

محسن نامجو و جنبش "می تو" در ایران

حمید تقوایی



"افاضات این جناب یکبار دیگر نشان میدهد که جنبش می تو در ایران با چه گندابی مواجه است. از یکسو باید با حکومتی مبارزه کرد که تحقیر و توهین و تجاوز جنسی علیه زنان را به فرهنگ دولتی و قانون رسمی تبدیل کرده است و از سوی دیگر با فرهنگ مشمئز کننده ای که همان اراجیف را این بار به اسم "فرهنگ ناز و نیاز ایرانی" تحویل ما میدهد."

به شکایت منجر بشود باید آنرا بحساب ناراحتی روانی و عقده های شخصی قربانی گذاشت!

این جهل مرکب کسی است که نداند و نداند که نداند. این همان فرهنگ لومپنی اسلامی حاکم در ایران است که تجاوز به زنان زندانی و دختر بچه های ۹ ساله را ثواب میدانند. جناب نامجو با تشبیه منتقدین و شاکیان خود به "حاجیه خانم های باقلی پاک کن خانی آباد در سال ۱۳۵۲" تنها هم سنخی خود با حاج آقاهای روضه خوان قمی و مشهدی همین امروز را نشان میدهد. فایل صوتی جناب نامجو در واقع مانیفست فرهنگ کپک زده اسلامی بعلاوه تفرعون و تبختر و از خود متشکری پلاستیکی است. مانیفست تعرض و تحقیر و توهین علیه زنان از زبان "خواننده شهیر" شرفزده ای که عقب ماندگی های فرهنگی اش را در ستون افتخاراتش نوشته است.

افاضات این جناب یکبار دیگر نشان میدهد که جنبش می تو در ایران با

فرمایند خب در مستی زیاده روی کردم و صبح فردا هم نکست زدم و معذرت خواستم ولی قبول نشد! می فرمایند "قضیه خیلی ساده تر از این حرفهاست در حد شوخی لفظی و نیشگون و چنین چیزی است!"

بله! قضیه خیلی روشن است اما نه از سری که این جناب میگوید! اینجا ما با یک متجاوز جنسی از خود راضی که حتی نمی فهمد چه غلطی کرده است مواجه هستیم. در عالم مستی "زیاده روی" کرده است و حالا انگشت به دهان مانده که چرا با وجود اینکه نکست زده و معذرت خواسته قربانی تجاوز از او شکایت کرده است! با زنی شوخی لفظی (یعنی همان متلک لومپنی) کرده است و دوتا هم نیشگون گرفته است و حالا طلبکار هم شده است که چرا شلوغش می کنید! و در توجیه این لمپنیسم متهوع هم فلسفه به هم می بافد که در فرهنگ "ناز و نیاز" ایرانی عدم رضایت زنان قبول نیست! ظاهرا حتی وقتی شکایت هم میکنند دارند ناز میکنند! مهم "نیاز" ایشان است و نه امتناعی که حتی وقتی

اخیرا با انتشار یک فایل صوتی از محسن نامجو بحث در مورد شکایت ها و اتهامات در مورد آزار و تجاوز جنسی ایشان بالا گرفته است. صحت و سقم این اتهامات باید نهایتا در دادگاه روشن بشود ولی محتویات همین فایل صوتی تا حد زیادی نشان میدهد که موضوع از چه قرار است.

ایشان اعتراضات و انتقادات وارده بر رفتار سکسیستی خود را "شلوغ بازی" کسانی میدانند که نمی دانند چه می خواهند و همان رفتار "حاجیه خانم موقع باقلی پاک کردن در خانی آباد" را دارند. می فرمایند حتی یک آدم حسابی در میان شاکیان از ایشان نیست و همه با ایشان مساله شخصی دارند و "سواد و تحصیلات و زیبایی خدادادی" هم ندارند! و میخواهند کسی را از کار بیاندازند که "یکساعت نفس کشیدنش با ششماه زندگی آنها" برابر است!

می فرمایند در مورد زن ایرانی شعار جنبش می تو "نه یعنی نه" درست نیست چون ما فرهنگ ناز و نیاز داریم که غربی ها ندارند! می

فرهنگ مصباح یزدی و یا فرهنگ ترامپ است تا فرهنگ غالب در غرب. ولی فرهنگ زنان و جوانان و کل نود و نه درصدی های ایران همان فرهنگ پیشروئی است که از جمله با جنبش "می تو" اسلامیسیم و ترامپیسیم و مردسالاری را به چالش کشیده است. مردم ایران نیز مانند مردم غرب تجاوز و تعرض جنسی علیه زنان را نه تحمل میکنند و نه می بخشند. مردم ایران هم مانند مردم غرب هیچ توجیه و بهانه و فلسفه بافی ای در رابطه با تجاوز و تعرض جنسی علیه زنان را نمی پذیرند و بر نمی تابند.

افاضات جناب نامجو باندازه کافی گویا هست. حتی اگر هیچیک از شکایت های طرح شده هم وارد نباشد نفس همین افاضات خامنه ای گونه ایشان کافی است تا طرد بشود. باید کنسرتهای ایشان را تحریم کرد، برنامه های تلویزیونی و آنلاینی این جناب را پخش نکرد و کلا اجازه نداد در جامعه سر بلند کند. نباید اجازه داد در فضای هنری- سیاسی ایرانیان خارج کشور فرهنگ متعفن لومپنی- اسلامی که حکومت بر مردم ایران تحمیل کرده است جا باز کند.

جناب نامجو می پرسد هدفتان از این "شلوغ کاری" چیست؟ امیدوارم جوابش را گرفته باشد.

۲۰ آوریل ۲۰۲۱

انترناسیونال

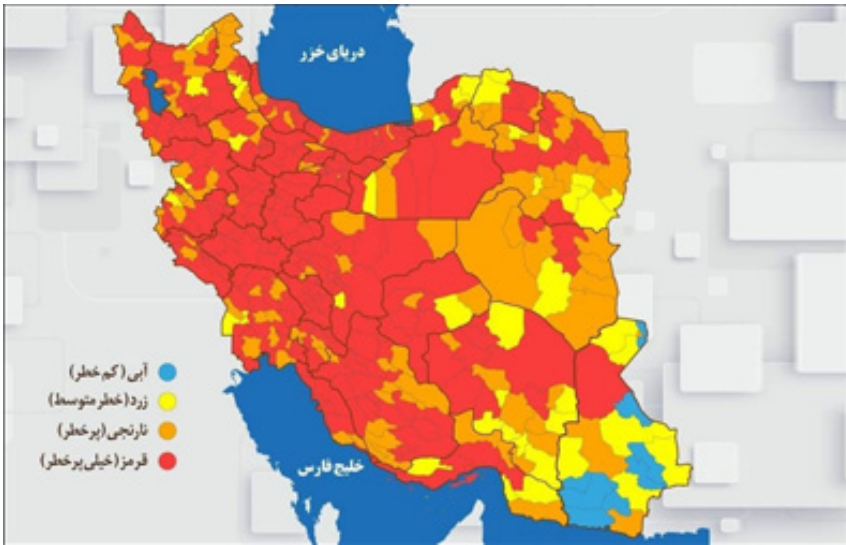
نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی
ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

واکسیناسیون فوری و رایگان حق مسلم مردم است



گذشته بود که خود عامل اصلی گسترش و شیوع کرونا در کشور و تبدیل این بیماری به یک فاجعه است. جمهوری اسلامی با اعلام پولی کردن واکسن کرونا؛ اوج ضد انسانی بودن این نظام وعدم تامین بهداشت و سلامت و درمان رایگان برای مقابله با کرونا را به نمایش گذاشته است.

نه به واکسن پولی؛ واکسیناسیون فوری و رایگان مردم با واکسن های تائید شده با استاندارد جهانی؛ در کنار تهیه امکانات لازم برای مداوای بیماران بستری حق مسلم و بی چون و چرای مردم می باشد.

طبیعی است که حکومت آدکشان اسلامی که کرونا برایش یک "نعمت الهی" شده براحتی تن به این خواستها نداده و نمی دهد. مبارزات سراسری و گسترده برای تحمیل همه این خواستها به حکومت باید در دستور اعتراضات اقشار مختلف مردم قرار گیرد. تنها زور اعتراض و مقاومت و مبارزه ما مردم است که می تواند حکومت جانبدار اسلامی را به عقب رانده و مورد، واکسیناسیون فوری و رایگان همه مردم با واکسنهای تائید شده و استاندارد جهانی همراه با تامین همه امکانات دوا و درمان و.. برای بیماران را به حکومت تحمیل نماید.

کرونا هر روز قربانی میگیرد و جمهوری اسلامی عملا در طول یک سال گذشته نشان داده که امرش مقابله با کرونا و تامین حداقل های بهداشت و درمان و.. نبوده و نیست. پنهان کاری در شیوع کرونا، اجرای مراسم های مذهبی و باز گذاشتن اماکن مذهبی؛ در کنار عدم تامین امکانات و وسایل بهداشتی و درمانی استاندارد در بیمارستانها و.. از جمله سیاستهای ضد انسانی حکومت طی یکسال

دست به اقدام دیگری نیز زده و آن موضوع صدور مجوز برای واردات واکسن توسط بخش خصوصی می باشد. واردکنندگان بخش خصوصی واکسن هم اکثرا باندها و دار دسته های حکومتی شریک و سهمیم در پروژه های تولید واکسن حکومتی بوده که به اعتراف خودشان به نتایج رضایت بخشی نرسیده و الان وارد این عرصه پر سود شده اند. در کشمکش باندهای دولتی و سپاه و بیت رهبری موضوع واردات واکسن روسی و چینی تصویب و در حال اجرا می باشد. این ها قیمت واکسن وارداتی را ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان اعلام کرده و گفته اند واکسیناسیون پولی خواهد بود. واکسیناسیون پولی علیه بیماری کرونا سیاست رسمی حکومت شده است. این سیاست بشدت محکوم بوده و به حق مورد نفرت و انزجار مردم می باشد.

اجرای فرمان امام، بنیاد برکت خامنه ای، موسسه تحقیقات واکسن و سرم سازی رازی، وزارت دفاع و انستیتو پاستور می باشد و این شرکتها مجوز ساخت و آزمایش واکسن حکومتی «گووایران برکت» «گووپارس» را دریافت کرده اند. طبق گفته خود حکومت میلیاردها تومان پول برای ساخت واکسن به این شرکتها پرداخت شده است. بر اساس نتایجی که دست اندرکاران ساخت واکسن حکومتی اعلام کرده اند؛ نتیجه تحقیقات حکومتی و تلاش های شان منجر به این شده که یکی دو واکسن با همکاری شرکتهای کوبایی و روسی و حکومت تهیه شده که به ادعای حکومت دوره آزمایش را طی می کنند.

در تازه ترین خبرها پیرامون ساخت واکسن وزارت بهداشت حکومت این هفته اعلام کرده واکسن «گووایران برکت» به نتیجه رسیده و قرار است ماهانه ۳ میلیون دوز تولید شود. بر همین اساس حکومت موضوع واکسیناسیون عمومی را از خرداد ماه با این واکسن در دستور قرار داده است. لازم به توضیح است که نتایج آزمایشات و خطرات احتمالی واکسن حکومتی جایی رسما اعلام نشده و سازمان بهداشت جهانی هم در جریان نیست. مردم بدرست نگران هستند. در کنار این تصمیمات، حکومت

شناسایی شد که ۳۴۳۸ نفر از آنان بستری شدند.

*تنها در تهران که به ادعای حکومت نزدیک به ۱۰۰ بیمارستان دارد همه تخت های ای یو سی ها پر شده و جایی برای بستری شدن بیماران جدید وجود ندارد. این وضعیت پایتخت کشور است حساب کنید وضعیت در سایر استانها که از امکانات به مراتب کمتری برخوردار می باشند؛ از چه قرار است. برخی اخبار و اظهار نظرهای حکومتی در باره تولید واکسن حکومتی و موضوع واکسیناسیون:

* حسین وطن پور نماینده وزیر بهداشت و مدیر اجرایی پروژه واکسن داخلی کرونا در کشور گفته است: "واکسیناسیون عمومی با واکسن داخلی «گووایران برکت» از خرداد آغاز می شود. ظرفیت تولید واکسن ایرانی کرونا از خرداد ماه امسال به حدود سه میلیون دوز در ماه می رسد و به تدریج این ظرفیت افزایش پیدا می کند تا واکسیناسیون عمومی کشور محقق شود."

* مصطفی قانعی، دبیر ستاد توسعه زیست فناوری روز ۳۰ فروردین گفته واکسن «اسوید ۱۹» نیز در اواخر مهرماه به تولید می رسد. به گفته او رژیم سه واکسن مشترک دارد که یکی از آنها مشترک کوبا و انستیتو پاستور و دومی واکسن گامالیا مشترک ایران و روسی است. همچنین کارآزمایی بالینی واکسن «گووپارس» به گفته حکومت آغاز شده است.

* کیانوش جهانپور مقام وزارت بهداشت در واکنش به نگرانی های مردم از خطرات احتمالی واکسن های تولیدی حکومت گفته است: "واکسن ها به تایید سازمان های جهانی نمی رسند، مگر آنکه قصد صادراتشان وجود داشته باشد که آن موقع به این کار نیاز داریم."

اما ماجرای تولید واکسن حکومتی چه می باشد؟ انحصار تولید و تحقیق واکسن داخلی در دست "شرکت های دانش بنیان" وابسته به ستاد



محمد شکوهی

جمهوری اسلامی در طول بیش از یک سال گذشته که از شیوع بیماری کرونا می گذرد با اتخاذ سیاستها و تصمیمات ضد انسانی این بیماری را تبدیل به یک فاجعه و بحران بزرگ اجتماعی کرده است. حکومت با بی تفاوتی و لاقیدی تمام از کنار آن گذشت و بدین ترتیب خود عامل گسترش و شیوع خارج از کنترل کرونا شد.

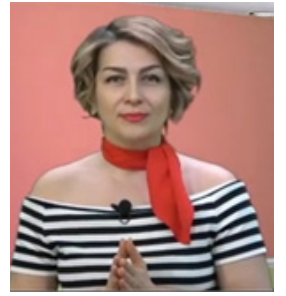
اکنون بعد از گذشت بیش از یک سال و در حالیکه کرونا هر روز صدها قربانی گرفته هزاران نفر را روانه بیمارستانها می کند، حکومت گفته در نظر دارد با واکسن "تولید داخل"

به مقابله با کرونا پرداخته و همزمان نیز با وقاحت و بی شرمی تمام اعلام کرده که واکسن کرونا پولی خواهد بود!

اعلام خبر پولی بودن واکسن کرونا؛ یک وجه دیگر از ادامه همه آن سیاستهای ضد مردمی حکومت می باشد. پولی کردن واکسن کرونا یک جنایت و بازی با جان مردم در کنار کسب درآمدهای افسانه ای از قبل آن برای حکومت بوده و بشدت محکوم می باشد. اما ماجرای تولید واکسن داخلی چیست؟ ابتدا تازه ترین اخبار کرونا.

* در تازه ترین اخبار پیرامون آمار مرگ و میر ناشی از کرونا، روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت حکومت روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت اعلام کرده در طول ۲۴ ساعت گذشته، ۴۵۳ بیمار کرونایی جان خود را از دست دادند و مجموع جانباختگان این بیماری به ۶۸ هزار و ۳۶۶ نفر رسید. همچنین ۲۴ هزار و ۹۲ بیمار جدید مبتلا در کشور

فایل صوتی محسن نامجو و تراوشات ذهن یک مرتجع



شیرین شمس

ماه ها پس از اینکه محسن نامجو تمام اتهامات آزار جنسی وارده به وی را در یک پیام ویدیویی تکذیب کرد، پیام ویدیویی اخیر وی که شامل ابراز پشیمانی از رفتارها و گفتارها و برخوردهای اشتباه بوده، این تصور را بوجود آورد که شاید ایشان حداقل یک گام رو به جلو برداشته است اما بلافاصله افشای یک فایل صوتی ۱۷ دقیقه ای از او، ورق را برگرداند.

یک فایل صوتی که حاوی بدترین توهین ها به زنان آزار دیده، زنان پایین شهری و بالاشهری، لژیون ها (همجنسگرایان زن)، زنان خواننده و در کل توهین به کرامت و منزلت نه فقط زنان، بلکه مردان و رنگین کمانی ها، و کلا موجودیت انسان بود، خشم بسیاری را برانگیخت.

این فایل صوتی، تراوشات ذهنی یک "مرد" خودشیفته تبدیل شده به سلبریتی بود که با نگاهی واپسگرایانه، تبعیض آلود و درجه بندی شده، ادعا میکرد یک ساعت نفس کشیدن او با شش ماه زندگی زنی که مدعی است از او آزار جنسی دیده، برابری میکند.

محسن نامجو در این فایل صوتی که سپس ادعا میکند یک درد دل خصوصی دوستانه بوده، (به نقل از بی بی سی)، در قالب یک مرد زن ستیز ظاهر میشود و تداعی کننده آن نگاه از بالا به پایین فرهنگ مردسالارانه و مذهبی به زن است که حتی در حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران به شکل قانون درآمده است. او در توجیه اظهاراتش در فایل صوتی، مدعی است مردم در

خانه حرف هایی می زنند که اگر منتشر شود، ممکن است دنیا منفجر شود (به نقل از بی بی سی). در عین اینکه این ادعا یک عذر بدتر از گناه هست، آنچه عیان است دو اظهار نظر کاملا متناقض از یک فرد، یکی رو به عموم جامعه، یکی رو به دوست آنهم خصوصی، گواهی دهنده وجود یک استانداردها دوگانه در شخصیت وی است. اگر این فایل صوتی یک صحبت خصوصی دوستانه باشد، پس واعظان کاین جلوه در محراب و منبر میکنند، چون به خلوت میروند آن کار دیگر میکنند. بنابراین محسن نامجو نه تنها نتوانست افشاگران و مدعیان آزار جنسی را قانع و راضی کند و مخاطبین خود را به باور این پشیمانی برساند، بلکه با افشای فایل صوتی نفرت انگیز از وی، خشم بیشتری را نسبت به خود برانگیخت.

محسن نامجو در کمال وقاحت به حمایت از استاد نقاش (آیدین آغداشلو) قد علم میکند. استاد نقاشی که نه تنها هرگز پاسخگوی اتهامات جنسی وارده نبوده، بلکه به گفته بسیاری، حمایت هایی که بی ربط به حاکمیت موجود هم نیست، باعث شد نقاشی اش رکورد حراجی تهران را به خود اختصاص دهد و تلاش شد که یک نوع اعاده حیثیت در افکار عمومی تلقی شود. محسن نامجو عاقبت مردانی که به آنها اتهامات جنسی وارد میشود را روشن، با مخاطبین بیشتر و موفقیت هایی در سطح استاد نقاش شرح میدهد.

محسن نامجو زنان را به مرفه و غیر مرفه دسته بندی میکند. آنها را مقابل هم قرار میدهد و از اظهاراتش اینگونه بر می آید که انکار شاگردان استاد نقاش، زنان بالاشهری بوده اند و دغدغه ستم بر زنان نداشته اند و همه دغدغه شان یادگیری نقاشی و جلب توجه بوده است. او به همزمانی افشاگری زنان آزار دیده از استاد نقاش، با بریده شدن سر رومینا اشرفی اشاره میکند. وی قربانیان آزار و تجاوز جنسی و قربانیان قتلهای ناموسی را در مقابل

هم قرار میدهد، و نه در کنار هم به عنوان قربانیان یک نظام کاملا مبتنی بر مردسالاری و ایدئولوژی ضد زن اسلام، که زن در قانون آن جنس دوم و برده جنسی است.

او زنانی که در جنبش می تو (من هم، جنبش علیه تجاوز جنسی) در ایران فعال بوده اند را تحقیر میکند، میگوید کدامشان "آدم حساسی" بوده اند؟ آدمهایی که نه "سواد" دارند، نه "تحصیلات"، نه از "مهاجرتشان" استفاده کرده و نه حتی "زیبایی خدادادی" دارند. محسن نامجو ارزشهای انسانی و هویت انسانی زن را به چنین مقولاتی گره میزند و حتی با آوردن چند اسم از فعالین حقوق زنان که از نظر ایشان واجد چنین ارزشهایی هستند، فعالین این جنبش را هم در مقابل هم قرار میدهد، رویکردی که هیچ نقش سازنده ای در امر همبستگی بین فعالان یک جنبش ندارد.

محسن نامجو در این فایل صوتی ادعا میکند اگر ماجرای (آزار جنسی) هم باشد، ماجرا به خود طرفین ربط دارد. در صورتی که اصلا اینطور نیست، تمام تلاش ها و مبارزات همه انسان های پیشرو در سراسر جهان این بوده که مساله ستم و ظلم و خشونت ها علیه زنان، چه جسمی و چه جنسی را، از پستوی خانه ها و یک مساله خصوصی بیرون کشیده و به عنوان یک مساله ای که اگر در سطح اجتماعی بررسی نشود، اگر توسط قانون جرم انگاری نشود، اگر قوانینی برای ممانعت از آن وضع نشود، میتواند دامنگیر افراد بیشتری در جامعه شود، به یک امر ضروری اجتماعی تبدیل کنند. بنابراین در جوامع پیشرو، مساله خشونت های جنسی از سطح خشونت کلامی تا تجاوز جنسی با جدیت هر چه تمام توسط نهادها و سازمان های مدافع حقوق انسانی پیگیری شده و در وضع قانون های مربوط تاثیرگذار بوده است. تراوشات ذهنی محسن نامجو هیچ سنخیتی با قوانین انسانی، مدرن و پیشرو که

امنیت جنسی زنان در آن تضمین شده باشد ندارد.

در فایل صوتی، محسن نامجو، کمپین "نه یعنی نه" را به سخره میکشد، "زنان ایرانی" را مقابل "زنان غربی" میگذارد، زنان ایرانی را به موجوداتی که ناز میکنند و مردان را به نیاز تشبیه میکند. او رابطه ناز و نیاز را که به قول خودش از ارزشهای ادبیات فارسی است تایید میکند. او میگوید "نه" زن غربی واقعا نه است، ولی "نه" زن ایرانی ناز است و یک تجربه از رابطه ناز و نیاز با یکی از روابطش را به عنوان مثال اثباتی بیان میکند و اشاره میکند "نه" آن زن به جایی ختم شد که حتی محسن نامجو پس از طی کردن یک شب با آن زن، از شدت "ترشح هورمون های" آن زن، صبح روز بعد پا به فرار می گذارد. ایشان زن ایرانی را تحقیر می کند، زنی که هرگز هیچ پشتوانه قانونی نداشته و همواره نزد قانون مقرر تلقی شده. طبق ادعای ایشان "نه"

ریحانه جباری به سربندی (مامور وزارت اطلاعات) هم، حتما رابطه ناز و نیاز بوده، "نه" زرها نوید پور و سلمان خدادادی (نماینده سابق مجلس اسلامی) نیز همچنین، و بسیاری تجاوزهای دیگر که حتی داستانش به گوش کسی هم نرسیده است. او حتی با این اظهارنظرهای سخیف، جنسیت مرد را نیز تحقیر میکند. آنچه از ذهنیت و باور و جهان بینی محسن نامجو بیرون می آید، متعلق به فرهنگ شرق زده، سنت زده، ارتجاعی و مذهب زده ایست که بویی از انسانیت، مدرنیسم و مدنیت نبرده است.

او زنان در دایره روابط خود را که سکوت کرده اند را به دو دسته تقسیم می کند، "زنان روانی" و زنانی که از "ترس آبرو" ی خود و خانواده سکوت کرده اند. محسن نامجو کلید واژه "آبرو" را بکار میبرد و روی آبرو که اسم رمز سرکوب میلیونی زنان بوده ارزش گذاری میکند. در حالیکه آبرو یک نوع ابزار بازدارنده است که به زنان تحمیل شده، تا پاسدار سلسله ارزشهای مردسالاری و مذهب،

و پاسدار ناموس و غیرت و شرف مردان و خانواده باشند. طبق ادعای ایشان بهتر است زن سکوتش را نشکند چرا که اگر این آبرو خدشه دار شود، ثابت میشود "زن" که حتی طبق آموزه های قرآنی و دینی و در فرهنگ حاکمیت جمهوری اسلامی عامل شر و فتنه و منحرف کردن مردان و جامعه تلقی می شود، از عهده حفظ آبروی خود و خانواده ناموس بر نیامده و نتوانسته ناموس خانواده که از ارزشهای مذهبی و مردسالار می آید را حفاظت کند، لذا آبروی خانواده هم در این بین خدشه دار میشود. ناموس انگاری و مقرر انگاری زنان، دو مقوله ای هستند که در اندیشه های محسن نامجو رد پا دارند. طبق ادعای او، در نهایت این زن است که مقرر است پس بهتر است برای حفظ آبروی خود و خانواده سکوت کند. برچسب روانی به زنان هم که دیگر جای بحث ندارد، برچسب بیماری روانی، دم دستی ترین توجیهی است که فرد خاطی می تواند به واسطه آن شانه های خود را از بار مسئولیت خالی کند.

محسن نامجو جنبش "می تو" در ایران را شلوغ بازی میدانند. او افرادی که در این جنبش فعالند را تشبیه به "حاجیه خانم های کوچه های خانی آباد" مربوط به سالهای دور میکند که در حال باقالی پاک کردن مشغول حرفهای بی اساس اند. او فقط زنان مرفه را تحقیر نمی کند، او به زنان به اصطلاح پایین شهری هم با نگاه طبقاتی برخورد میکند. او ضمن تنزل دادن این جنبش، با برخورد از بالا، زنان کوچه های خانی آباد را هم تحقیر میکند. او زنان "پایین شهری" را دون شان میدانند و به آنها هم توهین میکند. او تفاوت جنبش می تو در آمریکا و ایران را در این می بیند که جنبش "می تو" در آمریکا میدانند چه میکنند، اما جنبش "می تو" در ایران نمیدانند و سر در گم است. در حالیکه تفاوت در اینجاست که جنبش می تو در آمریکا با فرهنگ و

ادامه از صفحه ۱۴ است.

آقای علیرضا افشاری، ساکت؛ نمک به زخم نپاش

یاشار سهندی

در این نوشته قصد برگزاری دادگاه وجود نداشته چرا لازمه رسیدگی به دادخواهی آزاردیدگان در صلاحیت یک دادگاه عادل و مدرن و عاری از قوانین مذهبی است. بنابراین مدعیان تجاوز جنسی توسط محسن نامجو در حین اینکه همانند هر قربانی آزار جنسی لایق بیشترین حمایت های روحی و روانی اند، اگر قصد دارند قطعاً می توانند شکایت و دادخواهی خود را به دادگاه های عادلانه که خوشبختانه در مورد آزارهای جنسی در اروپا و آمریکا نسبتاً جدی هستند واگذار کنند. اما خلاء نگران کننده به این برمیگردد که جنبش می تو در ایران هیچ مرجع قضایی رسمی برای دادخواهی ندارد، و تا زمانی که جمهوری اسلامی از قدرت سیاسی ساقط نشود، نمی توان

برای میلیونها زنی که حداقل یکبار در زندگی تجربه آزار جنسی داشته اند دادگاهی برگزار کرد.

لذا جنبش "می تو" ی ایران، شایسته و لایق بیشترین حمایت ها از جانب رسانه ها، حقوقدانان، فعالین حقوق زن و حتی حمایت های جهانی است.

باید این جنبش جهانی را که در ایران، دستاورد مبارزه نفس گیر زنان علیه قوانین مذهبی و فرهنگ مردسالارانه و حکومت حاکم است، به قدرتمندانه ترین شکل ممکن در فضای سیاسی ایران علیه ستم بر زنان و علیه بردگی جنسی تقویت کرد و اجازه نداد که هیچ شخص حقیقی و حقوقی برای منفعت خود به این جنبش که در بستر یک انقلاب زنانه در حال رشد و پیشروی است، آسیبی وارد کند. در حین اینکه باید سکوت ها را شکست و افشا کرد و خواهان محاکمه متهمین خشونت های جنسی بود، نوک پیکان اعتراض و نوک حمله را به سمت حاکمیت و ساختاری حاکمی گرفت که مسبب اصلی تازدی انواع خشونت های جنسی است.

۲۹ فروردین ۱۴۰۰

۱۸ آوریل ۲۰۲۱

روزهای آخر فروردین و روزهای اول اردیبهشت یادآور یکی از اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" است که بسیاری از اصلاح طلبان امروز سردمدار این ماجرا بودند که معروف ترین شان عبدالکریم سروش است که سالهاست تلاش می کند خود را از این جنایت میرا کند چون ایشان به "روشنفکر دینی" تبدیل شده است و ثمره تحول ایشان به اینجا ختم شده که دامن خدا را از "خشونت محمد" پاک کند و خشونت پیامبر اسلام را از سر ناچاری معرفی کند.

در سالگرد این واقعه علیرضا افشاری یکی از جنس سروش، به بررسی واقعه ای میپردازد که در اولین سالگرد یورش به دانشگاهها و کشتار دانشجویان و اخراج وسیع آنها و اساتید دانشگاهها و نابود کردن "کتابخانه" شکل گرفت و منجر به جان باختن سه تن از "هوادران سازمان پیکار" در میدان انقلاب تهران گردید. این جناب و این جنابان هر چقدر که "تحول خواه" شده باشند از ریشه خود نمی توانند جدا شوند و این کشتار را به همان روش روئین جمهوری اسلامی، با همان توجیهات جناب سروش در مورد خشونت محمد نتیجه کارکرد خود کسانی معرفی میکنند که کشتار شده اند.

این جناب این واقعه را "یکی از شدیدترین خشونت ناموجه دولتی" میدانند! سوال: خشونت موجه دولتی کدام است؟ جواب: جنگ داخلی! در یادداشت ایشان یورش رژیم به کردستان را "جنگ داخلی" میخواند که به روایت ایشان که سازمان پیکار هم در آن نقش داشته و حتماً از نارنجکهای استفاده میکرده که در میان جمعیت هوادران سازمان پیکار در روز ۳۱ فروردین سال ۶۰ منفجر شد و منجر به قتل ایرج ترابی، آذر مهر علیان و مژگان

اخلاقیات مردسالارانه و بخشا با قوانین نابرابر سر و کار دارد، اما جنبش می تو در ایران با یک حاکمیت مبتنی بر قوانین اسلامی که حتی تجاوز شوهر به زن را قانونی کرده، طرف حساب است. حاکمیتی که به زنان باکره قبل از اعدام تجاوز میکند تا به بهشت نروند، به معترضان و فعالان سیاسی در زندانها تجاوز میکند، فعالان حقوق زن را دستگیر میکند و زنان را فتنه هایی تعریف می کند که به انحراف کشیدن مردان و جامعه در ذاتشان است. جنبش می تو ایران، اتفاقاً لجن ته نشین شده از قوانین و دولت و دستگاه قضایی در این حکومت زن ستیز را نمایان کرده است که با هیچ جای دیگر دنیا قابل مقایسه نیست.

محسن نامجو در حوزه آوازه خوانی زنان ایرانی نیز، زنان را زیر سوال میبرد و ضمن انتقاد بسیار سست و ضعیف از جمهوری اسلامی، باز هم زنان را مقصر میدانند. گویا شرایط چنان مهیا بوده، ولی این زنان بوده اند که نتوانستند از فرصتها استفاده بهینه کنند.

آنچه محسن نامجو در این فایل صوتی تحویل مخاطب میدهد زنگ خطر دیگری است بر جامعه ایران که از چه معضلات هولناک و چه خلاءهای وحشتناکی رنج می برد و تا چه حد زنان قربانیان این معضل و خلاءهای موجود هستند.

هولناک ترین معضل جامعه ایران، وجود حاکمیتی چون جمهوری اسلامی است که منشا تجاوز جنسی در ایران است که شامل هر دو جنسیت مرد و زن و ترنس و کودک دختر و پسر است. (در این نوشته بنا به اتفاقی مشخص، صرفاً روی تجاوز مرد به زن تمرکز شد). تحت این حاکمیت است که ارزش و منزلت انسانی زن وجود ندارد و زن به مثابه یک کالا یا برده جنسی تعریف می شود. محسن نامجو چه خواسته چه ناخواسته در ترویج فرهنگ حکومتی که زن در آن، یک انسان با هویت انسانی محسوب نمیشود، نقش داشته

رضوانیان شد. ایشان بعد از این همه سال همان اتهامی را متوجه سازمان پیکار و کل چپ کمونیستی میکند که جمهوری اسلامی در این کار دست شیطان را از پشت بسته است!

ایشان البته که مرد دنیا دیده ای است و در سایه جمهوری اسلامی مار خورده و افعی شده در پناه "روزنامه جمهوری اسلامی و مقامات مسئول" تایید میکند شاید کار خودشان بوده! ایشان نوشته است: "روزنامه جمهوری اسلامی و مقامات مسئول ادعا کردند که خود سازمان پیکار اقدام به پرتاب نارنجک کرده است تا با ایجاد خشونت مصنوعی به وجهه نظام جمهوری اسلامی آسیب بزند! این ادعا که هیچ مدرک و مستندی در تایید آن ارائه نشد، در حالی مطرح شد که سازمان پیکار قربانی آن خشونت مشتمل کننده بود و (از اینجا خوب دقت کنید که ایشان چه می نویسند) ابزاری برای اختفای طرح ادعایی نداشت. اعضای سازمان پیکار در آن اتفاق کشته و زخمی شدند؛ از این رو عقلانی نبود که این سازمان خودزنی کند. البته (این البته خیلی مهم است) این سازمان در کردستان همراه با گروه های مسلح کرد (خوب دقت کنید گروه های مسلح نه مثلاً گروه های طرفدار صلح) در درگیری با ارتش و سپاه پاسداران از نارنجک و دیگر ادوات نظامی سبک استفاده کرده بود و احتمالاً مسئولان امنیتی و انتظامی نظام از این موضوع بهره برداری کردند. البته این دو موضوع سیاق متفاوتی دارند در کردستان جنگ داخلی شکل گرفته بود در حالی که در تهران منشی مبارزاتی بی خشونت بر فضا حاکم بود." و ایشان چقدر منصف هستند که شهادت میدهند در تهران جنگ داخلی نبود در نتیجه کشتار از نوع "شدیدترین خشونت ناموجه دولتی" از کار در آمده

این جناب مانند یک کارآگاه پلیس مثلاً می خواهد ثابت کند که نارنجک دست مقتولین نبوده و گر نه دست شان قطع میشد یا بدنشان تکه تکه میشد! و بلافاصله تاکید میکند که حرکت سازمان پیکار "تصمیم پریسک و خطرناکی" بود و سازمان فداییان اقلیت همان زمان این تصمیم را "نکوهش" کردند. این جناب که ظاهراً اکنون مدافع حقوق بشر تشریف دارند در همان ابتدای یادداشت خود بعد از اینکه از خشونت ناموجه دولتی میگوید حکم صادر می کند: "اما در کنار آن برخی از نیروهای اپوزیسیون نیز خواسته یا ناخواسته با "نادیده گرفتن اصول عقلانی"، «تخیل گرایی در سیاست»، «عدم اعتقاد به دموکراسی و موازین حقوق بشری» و «باور به اشکال دیگری از اقتدارگرایی (مارکسیسم لنینیسم، ایدئولوژیک، مائوئیسم)» نیز با خطاهای خود دامنه خشونت را گسترش دادند" همه اینها یعنی اینکه جمهوری اسلامی مانند خود پیامبر اسلام نمی خواست خشن باشد اما چه کند که دستش بسته بود!

مستقیم به قلب خامنه‌ای

ژوبین زارع

ادامه از صفحه ۱۵

آن جمع دو نفر را خبر دارم که قطعاً دستگیر و شکنجه و به دار کشیده شدند و از بقیه متاسفانه خبری ندارم، حتی نمیدانم زنده هستند یا خیر. این چنین است بعد از ۴۰ سال باردیگر کسانی که از ثمره کشتار دانشجویان و تصفیه دانشگاهها و بستن آن به مدت چندین سال سود بردند نمک به زخم کهنه می‌پاشند.

و این همه به یمن تلاش کسانی مانند علیرضا افشاری ها به وقوع پیوست و در این مورد خاص که مثلاً خواسته از شهید دزدی جمهوری اسلامی بگوید، "خشونت دهه شصت" را نه تنها نتیجه کار مقامات مسئول بلکه نتیجه کارکرد سازمانهای کمونیستی هم می‌داند، بخصوص همین واقعه ۳۱ فروردین سال ۶۰ را زمینه ساز آن می‌شمارد و در واقع کسانی مانند رفقای جان باخته سازمان بیکار را محکوم می‌کند. چنین فردی بهتر است ساکت بماند چون باید پاسخ خیلی کارها را بدهد.

جمهوری اسلامی در سال گذشته با تمام توان خود و با همدستی خامنه‌ای و روحانی و حمایت های آشکار تمامی ارکان نظام و از طریق تلویزیون به طور مداوم نسبت به ترغیب مردم و سرمایه‌گذاری آن‌ها در بورس اقدام نمود. هر روز از سودهای چند صد میلیونی بورس گزارش تهیه می‌شد و به به و چه چه سر داده می‌شد و با نقشه‌ای شوم که بعداً خود نیز به آن اعتراف کردند به چپاول مردم اقدام کردند.

بخشی از مردم که به امید بهبود وضعیت مالیشان و گشایش در زندگیشان گاه حتی ماشین و خانه خود را فروخته بودند، در بعضی موارد پول‌های خرد خود را نیز به امید زندگی بهتر به بورس سپردند که به یکباره تمام هستی خود را از دست رفته دیدند. وزیر اقتصاد با بیشرمی و با اعلام رسمی، سود ۵۰۰ هزار میلیاردی از

جیب مردم را باعث افتخار خود دانست و عصبانیت سهامداران و متضرران بازار بورس را فراهم کرد.

آسیب‌دیدگان و مالباختگان بورس جسته و گریخته تجمعاتی را در شهرهای مختلف برگزار کردند و با سر دادن شعارهایی از سازمان بورس و دولت خواستار رسیدگی به ضررهای وارده به خودشان و دروغ‌های دولت شدند. آن‌ها با سر دادن شعارهایی همچون «نگ ما ننگ ما، صداوسیما می‌ماند»، «مرگ بر روحانی» و «حاصل کار دولت، غارت پول ملت» اعتراضات خود را شروع کردند اما هیچگونه توجهی را از سمت چپاولگران دریافت نکردند.

همه سهامداران می‌دانند که عامل اصلی این غارت فراتر از دولت و مجلس و قوه قضاییه می‌باشد و به شخص خامنه‌ای و

سیاست‌های دزدسالارانه او برمی‌گردد، بنابراین در آخرین تجمعات خود شعارهای رادیکال و کاملاً جهت‌دار خود را بیان کردند. آن‌ها با شعارهایی همچون «دولت خیانت می‌کند»، رهبر حمایت می‌کند»، «می‌جنگیم، می‌میریم، ایران را پس می‌گیریم» و عدم رای دادن در انتخابات ریاست جمهوری، موضع شفاف خود را در مقابل جمهوری اسلامی بیان کردند و در چندین تجمع تاکید کردند که تا دریافت نتیجه مناسب همچنان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

نگاهی به یک سال گذشته و اعتراضات مالباختگان بورس نشان می‌دهد که چگونه مسیر شعارها و مبارزات مردم با شتابی سهمگین، تندتر و مشخص‌تر می‌شود. در خیابان از سکوت و توسل به ائمه و درخواست از مسئولین دلسوز خبری

نیست و خامنه‌ای را بدون هیچ هراسی مورد حمله قرار می‌دهند و قصد خود مبنی بر عدم شرکت در انتخابات نمایشی و مضحک جمهوری اسلامی را فریاد می‌زنند.

در کنار هم قرار دادن تمامی اعتراضات و اعتصابات، از جمله اعتراضات بازنشستگان، معلمان، پرستاران و کارگران بخش‌های مختلف صنعتی و غیرصنعتی همچون شهرداری‌ها و مسیر آینده ایران را نمایش می‌دهد. آشکار است که شعارهای رادیکال، تجمعات گسترده و درخواست تجمع‌کنندگان از حمایت‌های مردمی و پیوستن به یکدیگر، سیلی خروشان خواهد بود که بساط چپاول و رژیم اعدام را به سطل زباله تاریخ خواهد انداخت.

ماهواره یاه ست

ماهواره یوتلست

KANAL جدید
کانال جدید

فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

فرکانس های

پولاریزاسیون: عمودی

پولاریزاسیون: عمودی

تلویزیون کانال جدید

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

اف ای سی: ۵/۶

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

در پاسخ به فراخوان کانال جدید برای ماهواره دوم مبالغ زیر جمع آوری شده است. کانال جدید از چند هفته قبل علاوه بر ماهواره یاه ست از ماهواره یوتل ست نیز شروع به پخش برنامه های ۲۴ ساعته خود کرده است.

در چهار هفته گذشته مبلغ ۴۲۰۶۵ دلار جمع آوری شده است. ضمن قدردانی عمیق از دوستان عزیزی که به این فراخوان جواب داده اند، از همه شما مردم آزادیخواه که خواهان رهایی از شر جمهوری اسلامی و هر نوع تبعیض و نابرابری هستید دعوت میکنیم تا کمک های مالی خود را به دست ما برسانید. هدف ما این است که جمع کمک به کانال جدید را تا سه روز آینده به ۵۰۰۰۰ دلار، که هدف این کمپین بود، برسانیم. تلویزیون کانال جدید

کمک مالی به کانال جدید

لیست شماره چهار

علی (یوتبوری) ۵۰۰۰ کرون

امیر توکلی ۲۰۰ یورو

کمیته استکھلم حزب کمونیست کارگری

۲۰۰۰۰ کرون

مهرنوش موسوی ۶۰۰ یورو (ماهی ۵۰ یورو)

حسن جلیلی ماهی ۲۴۰ یورو (ماهی ۲۰ یورو)

نوید مینایی ۵۰۰ کرون

فاطمی میلانی ۱۰۰۰ کرون

هادی موسوی ۵۰۰ کرون

کریم شاهمحمدی ۱۵۰۰ کرون

بختیار میرزایی ۱۰۰ دلار

حسین رها ۶۰۰ دلار

گلی از استکھلم ۲۴۰۰ کرون (۲۰۰ کرون)

ماهانه برای یکسال)

کایسا از استکھلم ۲۴۰۰ کرون (۲۰۰ کرون)

ماهانه برای یکسال)

ناصر آغباشلو ۵۰ دلار

امیر پاکباز ۲۰۰۰ کرون

جمعی از دوستان حزب از دانمارک ۳۰۰۰

کرون

جیمی از تهران ۱۰۰۰ دلار

امین کمانگر ۵۰ یورو

مهین کوشا ۱۰۰ یورو

سیامک مکی ۵۰ یورو

منیژه اتمامی ۲۰ یورو

طه حسینی ۵۰ یورو

پروین م. ۵۰ یورو

یاری کنید پوشش تلویزیون آزادی، برابری و رفاه را گسترش دهیم!

کمک های خود را میتوانید به شماره حساب های زیر واریز کنید و یا به واحدهای حزب در شهر خود بپردازید و با یادداشتی ما را از کمک خود مطلع نمایید:

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی سوئد:

Sweden

Kontonr: 4122379-3 SEK

Bankkontonr: 9960 2641 223 793

Kontoslag: PLUSGIROKONTO

FÖRETAG

IBAN: SE 10 9500 0099 6026 4122 3793

و یا سویس:

Swish number

1234302402

آلمان:

Germany

M. Eli

Commerzbank

Kontonr: 727634800

BLZ: 60040071

IBAN: DE84600400710727634800

BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

United kingdom

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

کانال جدید این تریبون تک تک شما آزادیخواهان، این صدای اعتراض و همبستگی کارگران، زنان و جوانان در ایران، تلویزیونی که ۱۷ سال است ۲۴ ساعته برای رهایی و آزادی و انسانیت و برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی برنامه پخش میکند، برای هرچه گسترده تر کردن پوشش خود علاوه بر ماهواره "یاه ست"، از ماهواره "یوتل ست" نیز شروع به پخش برنامه کرده است. رفتن بر ماهواره "یوتل ست" و بودن همزمان بر دو ماهواره امکان میدهد که بخش های بسیار بیشتری از مردم ایران و منطقه و همچنین ایرانیان ساکن اروپا به کانال جدید دسترسی داشته باشند. انجام این مهم، همچون تامین هزینه های سنگین یک تلویزیون ۲۴ ساعته در تمام این ۱۷ سال، بدون کمک و یاری شما مردم شریف و آزادیخواه ممکن نبوده و نخواهد بود. لذا دست یاری بسوی شما دراز میکنیم.

بدینوسیله کمپین جمع آوری ۵۰ هزار دلار جهت تامین هزینه های انتقال کانال جدید به ماهواره دوم (یوتل ست) را اعلام میکنیم. هدف ما این است که این مبلغ را در عرض یک ماه جمع کنیم. از همه شما مردم آزادیخواه که خواهان رهایی از شر جمهوری اسلامی و هر نوع تبعیض و نابرابری هستید دعوت میکنیم تا کمک های مالی خود را به دست ما برسانید.

تلویزیون کانال جدید

سوالی دارید میتوانید با شماره زیر تماس بگیرید:

واتس آپ - سیگنال و تلگرام

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

۵ فروردین ۱۴۰۰ (۲۵ مارس ۲۰۲۱)

جمع کمک تاکنونی
۴۲۰۶۵ دلار

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

خامنه ای مسئول فاجعه انسانی در ایران است! بر گرفته از فیسبوک مهرنوش موسوی

میمیرند. گورستانها پر شده است. بیمارستانها درها را بسته اند.

روحانی برای در بردن خودش می گوید بخش خصوصی برود واکسن بخرد. گویا واکسن ها در بازار کشورهای اروپایی ریخته شده است. پفیوز حرف مفت میزند تا همراهی اش را با جنایتکار اعظم بیوشاند. خامنه ای مسئول مرگ مردم در اثر کروناست! جمهوری اسلامی عامل این فاجعه انسانی است.

روزمه صدها نفر جان می بازند.

مسئول این وضعیت سیاه خامنه ای است. خامنه ای بود که گفت واکسن نخرید. درست در زمانی که همه دولت ها و همه نظام های سیاسی تقلا میکردند برای شهروندانشان بیشترین واکسن را تهیه کنند. خامنه ای حکم قتل عام مردم ایران را صادر کرد. این بار موشک، به کل جامعه ایران پرتاب شد. صدها نفر به این خاطر روزانه

از زمانی که خط و نشان کشید که واکسن خارجی نخرید، دو میلیون واکسن خریدند. خودشان میگویند فقط حدود نیم میلیون آن را تزریق کرده اند، بقیه آن یک میلیون و نیم معلوم نیست در کدام بازار سیاهی بوسیله سپاه به فروش میرسد. در موج چهارم کرونا خودشان دیگر نه مریض شدند و نه می میرند. همگی از دم واکسن زده اند. خودشان را نجات داده اند، به عوض تمام شهرهای ایران را دیگر نه حتی قرمز که سیاه اعلام کرده اند.

”طرح جوانی جمعیت“ یا جنایت علیه بشریت؟! انقلاب زنانه



ایران در قعر جدول آزادی رسانه‌ها در سال ۲۰۲۱ انقلاب زنانه



طرح از رضا عقیلی

که در سیطره‌ی سانسور و سانسورچیان به بند کشیده شده‌اند می باشد.

تنها راه رهایی جامعه و زنان سرنگونی جمهوری اسلامی است، همین امروز!

انقلاب راه رهایی ماست جمهوری اسلامی بایکوت باید گردد جمهوری اسلامی نابود باید گردد

سانسور و سرکوب، به مبارزه‌ی خود برای دفاع از آزادی اندیشه و بیان ادامه داده است.

انقلاب زنانه، خواهان آزادی اندیشه و بیان و نشر بی هیچ حصر و استثنا آزاد خبررسانی، اینترنت، مطبوعات آزاد و رسانه های آزاد، آزادی حق اعتراض و همچنین آزادی تمام زندانیان عقیدتی و سیاسی

سازمان گزارش‌گران بدون مرز به تازگی گزارشی در خصوص رده‌بندی وضعیت آزادی رسانه‌ها در کشورهای مختلف منتشر کرده است که در آن ایران از میان ۱۸۰ کشور جهان، رتبه ۱۷۴ را به خود اختصاص داده است. بنابر اعلام این سازمان، ایران در ۵۰ سال گذشته بیشترین شمار احکام اعدام علیه روزنامه‌نگاران را صادر و یا اجرا کرده است. سازمان گزارش‌گران بدون مرز می گوید که از آغاز انتشار رده‌بندی جهانی آزادی رسانه‌ها از سال ۱۳۸۱، جمهوری اسلامی ایران به علت سرکوب آزادی اطلاع رسانی، همواره در پایین‌ترین رده‌های جدول قرار داشته است.

جامعه‌ی ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سال‌هاست که شاهد سانسور است. شاهد حبس، شکنجه، سرکوب، اعدام و کشتار نویسندگان، روزنامه نگاران و خبرنگاران می باشد. با این همه، سال‌هاست که ایستادگی کرده و در برابر سهمگین‌ترین

اقدام به بازپس‌گیری حقوق معلولیت‌های سازمان بهزیستی کشور در خصوص «طرح جوانی جمعیت» و موضوع سقط درمانی گفت: حذف غربالگری به طور واضح و مشخص در این طرح گفته نشده است اما به قدری پیروسه موضوع سخت و طولانی خواهد شد که ما پیش‌بینی می‌کنیم مراجعین به غربالگری کاهش یابد؛ یعنی از طرفی سازمان بهزیستی طی این چند سال تلاش می‌کرد که غربالگری افزایش یابد اما این طرح موجب می‌شود که انگیزه مراجعین ما برای غربالگری کمتر شود. وی افزود: نه کمیسیون جوانی جمعیت نه مجلس هنگام تصویب این طرح از سازمان‌هایی مانند سازمان بهزیستی، وزارت بهداشت، سمن‌های فعال، انجمن‌های ژنتیک و بنیاد ژنتیک که متولیان معلولان هستند، نظرخواهی نکردند، اکنون این طرح به شورای نگهبان رسیده و قرار است طرح جوانی جمعیت برای ۷ سال تصویب شود.

حکومتی که تا کنترل زهدان زنان هم پیشروی کرده تنها لایق سرنگونی است.

ارتباط با انقلاب زنانه پیامگیر تلگرام <https://t.me/sjktamas> تلگرام، سیگنال ۰۰۴۶۷۳۹۶۸۱۴۳۸

معاون پیشگیری از معلولیت‌های سازمان بهزیستی کشور در خصوص «طرح جوانی جمعیت» و موضوع سقط درمانی گفت: حذف غربالگری به طور واضح و مشخص در این طرح گفته نشده است اما به قدری پیروسه موضوع سخت و طولانی خواهد شد که ما پیش‌بینی می‌کنیم مراجعین به غربالگری کاهش یابد؛ یعنی از طرفی سازمان بهزیستی طی این چند سال تلاش می‌کرد که غربالگری افزایش یابد اما این طرح موجب می‌شود که انگیزه مراجعین ما برای غربالگری کمتر شود. وی افزود: نه کمیسیون جوانی جمعیت نه مجلس هنگام تصویب این طرح از سازمان‌هایی مانند سازمان بهزیستی، وزارت بهداشت، سمن‌های فعال، انجمن‌های ژنتیک و بنیاد ژنتیک که متولیان معلولان هستند، نظرخواهی نکردند، اکنون این طرح به شورای نگهبان رسیده و قرار است طرح جوانی جمعیت برای ۷ سال تصویب شود.

جمهوری اسلامی نه تنها برای بهبود شرایط زندگی زنان گامی بر نمی دارد، بلکه

اطلاعیه های حزب

گرامی باد روز جهانی کارگر:

دستمزد بالای ۱۲ میلیون، آزادی زندانیان سیاسی، زنده باد اداره شورایی!

گرامی باد روز جهانی کارگر:

دستمزد بالای ۱۲ میلیون،

آزادی زندانیان سیاسی،

زنده باد اداره شورایی!



بگذار در اول مه فریاد دستمزد بالای ۱۲ میلیون، آزادی زندانیان سیاسی، زنده باد اداره شورایی در همه جا طنین افکند و افق سوسیالیستی طبقه کارگر را پیش از پیش در برابر جامعه ایران بگستراند!

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۰، ۱۷ آوریل ۲۰۲۱

اعتبار اجتماعی و با چنین اعتماد بنفسی روز جهانی کارگر را تدارک ببیند. حزب کمونیست کارگری که خود بخشی از تلاش برای شکل دادن به این موقعیت بوده و هست، دست تک تک رهبران کارگری، معلمان، بازنشستگان و همه فعالین برپایی اول مه را به گرمی میفشارد و همه مردم و بویژه فعالین دانشجویی، جنبش‌رهای زن و همه عرصه‌های مبارزه برای رفع تبعیض و برابری را فرامیخواند تا فعالانه به صف برپایی هرچه گسترده تر اول مه ۱۴۰۰ بپیوندند.

امید مردم ایران برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و شرایط نکبت بار موجود تبدیل شده است. مبارزات خستگی ناپذیر معلمان و بازنشستگان و کارگران نفت و فولاد و بویژه اعتصابات و اجتماعات شورانگیز کارگران هفت تپه با شعار "اداره شورایی" طبقه کارگر را در چشم جامعه به نیرویی سیاسی قدرتمند با راه حلی واقعی و انسانی برای شکل دهی آینده بعد از جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. لازم است که اول ماه مه انعکاس دهنده این موقعیت باشد و "زنده باد اداره شورایی"، یعنی حاکمیت مستقیم شوراها و شهروندان و لغو هرگونه دولت مافوق مردم، بر پرچم اول مه ۱۴۰۰ حک شود.

کمتر جایی را در دنیای امروز میتوان یافت که طبقه کارگر با چنین افق روشن، نفوذ و

روز همیستگی جهانی کارگران، اول ماه مه ۲۰۲۱ برابر با ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ از راه میرسد. از هم اکنون، چند هفته قبل از روز جهانی کارگر، جنب و جوشی شورانگیز را در محافل و شبکه‌ها و همچنین در بیانیه‌ها، اجتماعات و اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان برای تدارک اول مه ۱۴۰۰ میتوان مشاهده کرد. این اول مه میتواند یک نقطه عطف باشد و صف گسترده تری را حول شعارها و پرچم طبقه کارگر برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و سرمایه داری متحد کند. این در شرایطی که جمهوری اسلامی در تقلا برای بقای خود با انواع جنایات و از جمله تحمیل فقر و فلاکتی گسترده و تشدید پاندمی کرونا و گرفتن جان دهها هزار نفر جامعه را به نابودی سوق میدهد، حائز اهمیت بسیاری است. اول مه فرصتی است تا طبقه کارگر نشان دهد که آماده است تا در پیشاپیش جامعه معترض و ملت‌متهب ایران این وضع را تماماً عوض کند و آزادی و برابری و رفاه را مستقر کند.

علاوه بر مطالبات مربوط به معیشت، کارگران و معلمان و دیگر اقشار طبقه کارگر در اجتماعات و تظاهرات‌های بیشمار خود بارها بر خواست‌های سیاسی نظیر ممنوعیت امنیتی کردن اعتراضات، آزادی حق تشکل و اعتصاب، و آزادی فوری همکاران در بند خود تاکید کرده اند. در اول ماه مه امسال آزادی زندانیان سیاسی به عنوان خواستی که مبارزه همیشگی کارگران علیه استبداد و سرکوب جمهوری اسلامی و برای تحقق آزادی‌های بی قید و شرط سیاسی را نمایندگی میکند، برجسته تر از همیشه مطرح است.

در واقع "آزادی زندانیان سیاسی" همراه "دستمزد بالای ۱۲ میلیون" دو مطالبه فوری مهم طبقه کارگر در اول مه ۱۴۰۰ است که همه مردم ایران بطور بلافصل در آن ذینفع اند و این واقعیت به اول مه امسال این توانایی را میبخشد که مورد توجه و حمایت بیش از پیش توده‌های وسیع قرار گیرد.

اما جایگاه مبارزه کارگری در ایران حتی فراتر از این است. در سالهای اخیر همه شاهد بوده ایم که چگونه مبارزات، رهبران و آرمانهای کارگری در بعدی عمیقتر مورد توجه بخش‌های وسیع جامعه قرار گرفته و به نقطه

مطالبه دستمزد بالای ۱۲ میلیون تومانی که ظرفیت متحد کردن وسیعترین صف طبقاتی، از کارگران کارخانه تا معلمان و دیگر مزدبگیران را دارد محور خواسته‌های معیشتی و اقتصادی گوناگونی است که کارگران

مطالبه دستمزد بالای ۱۲ میلیون تومانی که ظرفیت متحد کردن وسیعترین صف طبقاتی، از کارگران کارخانه تا معلمان و دیگر مزدبگیران را دارد محور خواسته‌های معیشتی و اقتصادی گوناگونی است که کارگران

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت روزنه

www.rowzane.com

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۹

در مورد وضعیت وخیم کرونا در ایران و سیاست های جمهوری اسلامی بیانیه حزب کمونیست کارگری

فاجعه کرونا در ایران سند جنایت جمعی حکومت فاسد و ددمنشی است که جان و سلامت شهروندان برای او کمترین ارزشی ندارد. حکومت فاسد و جنایت اسلامی کنار کرونا علیه مردم ایستاد و مستقیماً عامل و مسؤل اشاعه کرونا و مرگ صدها هزار نفر شد.

مرگ و میر ناشی از کرونا بار دیگر در ایران اوج گرفته است. اکثر قریب به اتفاق شهرهای بزرگ کشور طبق گزارشات حکومتی در وضعیت قرمز و سیاه قرار گرفته اند. تعداد ابتلا به بیماری و مرگ و میر ناشی از این بیماری بسرعت افزایش یافته است. در برخی استانها تعداد مبتلایان جدید حداقل پنج برابر بیشتر شده است. مسئولین بیمارستان ها و مقامات شهری میگویند اجازه خبررسانی در مورد تعداد تلفات کرونا را ندارند و این یک قانون است. مدیرعامل بهشت زهرا گفته است در طول تاریخ ۵۰ ساله بهشت زهرا این شرایط هرگز تکرار نشده است. اینها نشانه

مرگ و میری بسیار بالاتر از رقم ۳۰۰ مرگ در شبانه روز است که توسط مقامات حکومت اعلام میشود. مدیر عامل بهشت زهرا گفته است تنها در تهران در عرض ۲۴ ساعت ۱۰۰ نفر بدلیل ابتلا به کرونا جانشان را از دست داده اند. حتی اگر این رقم حقیقت داشته باشد که ندارد، نشان میدهد که تعداد مرگ و میر در کشور بسیار بالاتر از آمار حکومتی است.

در کشورهایی که دست به کار تزریق واکسن کرونا شده اند مرگ و میر به شدت کاهش یافته است اما خامنه ای خرید واکسن های معتبر را ممنوع و مردم را از حق سلامتی محروم کرد. خودشان واکسن ها را بموقع زده اند و مردم را بی دفاع رها کرده اند و آیت الله هایشان تجویز مزخرفات میکنند. خودشان علیرغم واکسن خود را قرنطینه کرده اند و مردم تنگدست و محروم را به حال خود گذاشته اند. روحانی گفته

وضعیت جاری حاصل نهایت لاقیدی و سیاست های جنایتکارانه حکومت در قبال مردم است. از پنهان کاری در مورد شیوع کرونا در ماههای اول تا ادامه پرواز به چین و تشویق مراسم های مذهبی و باز گذاشتن امامزاده ها، عدم تامین تجهیزات ایمنی

فوری، استاندارد و رایگان و همگانی، حقوق پایه همگانی به همه مردمی که درآمد کافی ندارند، تامین فوری تجهیزات کافی به کادر درمان، آزادی زندانیان سیاسی و خالی کردن سایر زندان ها خواست همه مردم است. حول این خواست ها متحد شویم، از بیانیه های کارگران و معلمان و بازنشستگان و طومار اعتراضی پرستاران حمایت کنیم و جبهه قدرتمندی علیه حکومت جنایتکار و ضد انسان اسلامی سازمان بدهیم.

حزب کمونیست کارگری
ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۰، ۱۷ آوریل
۲۰۲۱

خواهان واکسن استاندارد، همگانی و رایگان شده اند و پرستاران در طوماری که تاکنون هفت هزار نفر امضا کرده اند به منع آنها در استفاده از تجهیزات ایمنی به بهانه ترس بیماران و عدم رسیدگی به سایر خواست های حق طلبانه شان اعتراض کرده اند.

فاجعه کرونا در ایران سند جنایت جمعی حکومت فاسد و ددمنشی است که جان و سلامت شهروندان برای او کمترین ارزشی ندارد. حکومت فاسد و جنایت اسلامی کنار کرونا علیه مردم ایستاد و مستقیماً عامل و مسؤل اشاعه کرونا و مرگ صدها هزار نفر شد.

درمان رایگان و واکسن

در بیمارستانها، پر کردن زندان ها، تحویل خرافه به جای امکانات درمانی و واکسن به مردم و تهدید و دستگیری مردم بدلیل افشای واقعات مربوط به فاجعه کرونا، سیاست های حکومت اسلامی در ۱۴ ماه گذشته است که صدها هزار نفر را قربانی کرده است.

مردم هم واکس رایگان و مطمئن میخواهند، هم درمان رایگان میخواهند، هم حقوق پایه همگانی و هم آزادی زندانیان سیاسی و خالی کردن زندان ها را. از جمله کارگران نفت و همینطور تشکل های مختلف کارگران، معلمان و بازنشستگان در بیانیه های خود ضمن اعتراض به سیاست های حکومت

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۲۰

گزارشی از یک کنفرانس خوب با تجاربی ارزنده

هرمز رها

برگزار کنندگان:

کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته برای آزادی زندانیان سیاسی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

نهاد کودکان مقدمند

نهاد اکس مسلم

سازمان سراسری حق زن انقلاب زنانه

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

کمپین بایکوت جمهوری اسلامی ایران

شرکت کنندگان:

مویا اوبری نماینده سازمان عفو بین الملل

کامیلا هانسن نماینده حزب محیط زیست در پارلمان سوئد

آنیکا بن دیوید نماینده ارشد وزارت امور خارجه سوئد در سازمان حقوق بشر

هوکان سونه لینگ نماینده وسخنگوی امور خارجه حزب چپ در پارلمان

شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

بهرام سروش هماهنگ کننده سراسری کمپین بایکوت جمهوری اسلامی ایران

نماینده وزارت امور خارجه بدون ذکر دلیل از شرکت در کنفرانس اعلام انصراف داد.

اطلاع رسانی کنفرانس در

تلخیصی از چند اطلاعیه خبری حزب:

- بنا بر گزارشها بدنبال اعتراضات کارگران واکن سازی زرنده در روزهای ۱۷، ۱۸ و ۱۹ فروردین، این کارگران در روز ۳۰ فروردین موفق به تحمیل افزایش حقوق و راه اندازی دوباره شرکت شدند. قبلا گزارش کردیم که در بیستم فروردین این کارگران با وعده یک هفته ای کارفرما برای پاسخگویی به خواستههایشان موقتا به اعتراض خود خاتمه داده بودند. قبل از سال جدید مدیریت این واحد صنعتی را وعده افزایش حقوقها را داده بود و قرار بود در فروردین ماه جدا از افزایش سالانه حقوق توسط شورای عالی کار یک میلیون تومان برای هر کارگر دستمزد ها افزایش یابد. اما بدلیل اجرایی نشدن آن کارگران دست به اعتراض زده بودند.

از سوی دیگر طی برگزاری جلسات متعدد پس از ۱۵ روز تعطیلی شرکت واکن سازی زرنده و بیکار شدن ۲۷۰ نفر و اعتراضات کارگران سرانجام این واحد دوباره به کار افتاد و کارگران اخراجی بر سر کارشان بازگشتند.

- روز ۳۰ فروردین معلمان نهضت سواد آموزی استان اردبیل در اعتراض به عدم استخدام خود به کار بدنبال ده سال سابقه کار و قبولی در آزمون استخدامی، دست به تجمع اعتراضی زدند.

- روز یکشنبه ۲۹ فروردین کارگران اخراج شده واحد شیرین سازی میعانات پالایشگاه گاز ایلام در ادامه اعتراضات خود مقابل استانداری ایلام تجمع کردند.

- روز ۲۹ فروردین کارگران خدماتی و فضای سبز

اعتراضات کارگران پتروشیمی ایلام، اعتصاب در حمل و نقل پتروشیمی ماهشهر و دو خبر دیگر

- روز ۳۱ فروردین بار دیگر کارگران پیمانی اخراجی پتروشیمی ایلام در اعتراض به اخراجها مقابل استانداری تجمع کرده و به نشانه اعتراض به فقر و بی تأمینی سفره خالی پهن کردند و با اعلام خواستههایشان بر تداوم اعتراض خود پای فشردند. این کارگران در آستانه سال نو از کار اخراج شدند. روز گذشته نیز این کارگران تجمع داشتند.

- کارگران سرویس های حمل و نقل منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندرماهشهر روز ۳۱ فروردین در اعتراض به عدم تعیین نرخنامه جدید و سطح نازل دریافتی هایشان دست به اعتصاب زدند.

- روز ۳۱ فروردین کارگران شهرداری چوئیده آبادان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه و عیدی آخر سال ۹۹ تجمع و اعتراض کردند.

- روز ۳۱ فروردین کارگران و پرسنل اداره آبفا در ایذه در اعتراض به تعویق پرداخت چندین ماهه مزد خود در مقابل اداره آب فاضلاب این شهر تجمع کردند.

- روز ۳۰ فروردین کارگران کارخانه سیمان سپهان دیزپچه اصفهان در اعتراض به قطع کارانه بهره وری و عدم افزایش حقوق سالیانه خود در محوطه شرکت دست به اعتصاب زدند.

موفقیت کارگران واکن سازی زرنده برای افزایش حقوق و بازگشت به کار، و چند خبر دیگر

بازنشستگان و کلیپ بایکوت جمهوری اسلامی با زیرنویس های انگلیسی پخش شد که بسیار مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت.

هدف ما از کنفرانس جلب افکار عمومی به مسئله جنایات جمهوری اسلامی و مسئله بایکوت آن در عرصه های مختلف سیاسی و دیپلماتیک، توسط دولت های مختلف از جمله دولت سوئد و طرد و منزوی کردن نمایندگان این حکومت از مجامع بین المللی از جمله سازمان ملل، اخراج از مجامع ورزشی و فرهنگی و هنری، قطع روابط تسلیحاتی و امنیتی و نظامی و در یک کلام بخاطر مردم ایران بخاطر مردم جهان، بیرون کردن جمهوری اسلامی از جامعه بین الملل بود.

با توجه به نتایج این کنفرانس و جو عمومی علیه جنایات جمهوری اسلامی چه در داخل و چه در خارج و با توجه به رای مردم ایران به سرنگونی این رژیم که طی این دوسه سال گذشته بارها با از خود گذشتگی و شجاعت هزینه های فراوان، اعلام کردند به اعتقاد ما این قبیل فعالیت ها و کنفرانس ها می بایست در تمامی کشورها تدارک داده شود تا بشود هرچه بیشتر این حکومت باندهای مافیایی و این جانین حفظ شرایط موجود ضد بشری را طرد و منزوی و به سراشیبی سقوط نزدیک کرد.

در پایان باید خسته نباشید گفت به تمامی دست اندرکاران برگزاری این کنفرانس خوب و تاثیر گذار و به امید برگزاری کنفرانس های بیشتر.

21 آوریل 2021

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۲۱

شهرداری سوسنگرد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، مقابل درب ورودی فرمانداری دشت آزادگان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

- کارگران شهرداری شهر ویس بدلیل عدم دریافت ۵ ماه حقوق معوقه خود روز ۲۹ فروردین در مقابل درب شهرداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار پرداخت فوری طلب هایشان شدند.

اعتصاب کارگران بخش نفت در شرکت لیدوما در پارس جنوبی و شرکت اکسیر صنعت

- روز شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۰ کارگر شرکت نصب و راه اندازی لیدوما که در فاز ۱۳ منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی فعالیت دارد در اعتراض به سطح دستمزدها دست به اعتصاب و تجمع زدند و خواهان افزایش دستمزدهایشان شدند.

- روز ۲۸ فروردین کارگران شرکت اکسیر صنعت فاز ۱۴ در اعتراض به سطح نازل حقوقها دست به اعتصابی اخطاری زدند. شرکت اعلام کرده است که به حقوق آنها ۳۳ درصد بیشتر اضافه خواهد شد. علاوه عیدی و سنوات کارگران نیز پرداخت نشده و به این کارگران حق مسکن نیز پرداخت نمیشود. در همین رابطه کارگران فاز ۱۴ کنگان در عسلویه نیز دست به اعتصاب زده اند.

تجمع بزرگ معلمان فارغ التحصیل دانشسراها در تهران

امروز ۲۸ فروردین معلمان فارغ التحصیل دانشسراها در اعتراض به حذف سنوات فاصله خدمتی خود و سطح نازل حقوقها از اقصی نقاط کشور به تهران آمده

و در مقابل "دیوان عدالت اداری" تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی معلمان با شعارهای "ظلمو نمی پذیریم، حقمون میگیریم"، و "معلم داد بزن، حق تو فریاد بزن" بر عزم خود برای مبارزه علیه ستمگران اسلامی حاکم تاکید کردند. این معلمان در همین رابطه قبلا نیز تجمعاتی در سطح استانهای مختلف چون فارس و اصفهان داشتند. معلمان یک بخش معترض جامعه هستند که در جلو آوردن خواستههایی چون اعتراض به خط فقر و طرح خواست افزایش سطح دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون، تحصیل رایگان، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و دیگر خواستههای پیشرو پیشتاز بوده اند. هم اکنون یک کارزار مهم معلمان آزادی فوری اسماعیل عبدی است که طوماری با بیش از ده هزار امضا با این خواست به جریان افتاده است. معلمان همچنین یکی از امضا کنندگان طومار با خواست واکسیناسیون استاندارد، رایگان و همگانی هستند. تجمعات هفتگی بازنشستگان بستر مهمی برای گسترش اعتراضات مردم در سطح جامعه است و خواستههای آنها مطالبات همه مردم است. از اعتراضات بازنشستگان باید وسیع حمایت و پشتیبانی کرد.

رایگان، حق تشکل، حق تجمع و حق اعتراض بدور از هر گونه امنیتی کردن و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، پایان دادن به دزدی ها و اختلاس ها و بازگردانده شدن پولهای به سرقت رفته به صندوق های بازنشستگی از دیگر خواستههای فوری آنهاست. در روز ۱۴ فروردین یکی از بازنشستگان به نام اسماعیل گرامی بازداشت شد و بازنشستگان خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط وی و همه زندانیان سیاسی هستند.

بازنشستگان همچنین یکی از امضا کنندگان طومار اعتراضی با خواست واکسیناسیون استاندارد، رایگان و همگانی هستند. تجمعات هفتگی بازنشستگان بستر مهمی برای گسترش اعتراضات مردم در سطح جامعه است و خواستههای آنها مطالبات همه مردم است. از اعتراضات بازنشستگان باید وسیع حمایت و پشتیبانی کرد.

اطلاعیه خبری

تجمع بزرگ معلمان فارغ التحصیل دانشسراها در تهران

امروز ۲۸ فروردین معلمان فارغ التحصیل دانشسراها در اعتراض به حذف سنوات فاصله خدمتی خود و سطح نازل حقوقها از اقصی نقاط کشور به تهران آمده و در مقابل "دیوان عدالت اداری" تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی معلمان با شعارهای "ظلمو نمی پذیریم، حقمون میگیریم"، و "معلم داد بزن، حق تو فریاد بزن" بر عزم خود برای مبارزه علیه ستمگران اسلامی حاکم تاکید کردند. این معلمان در همین رابطه قبلا نیز تجمعاتی در سطح استانهای مختلف چون فارس و اصفهان داشتند.

معلمان یک بخش معترض جامعه هستند که در جلو

آوردن خواستههایی چون اعتراض به خط فقر و طرح خواست افزایش سطح دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون، تحصیل رایگان، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و دیگر خواستههای پیشرو پیشتاز بوده اند. هم اکنون یک کارزار مهم معلمان آزادی فوری اسماعیل عبدی است که طوماری با بیش از ده هزار امضا با این خواست به جریان افتاده است. معلمان همچنین یکی از امضا کنندگان طومار با خواست واکسیناسیون استاندارد، رایگان و همگانی هستند. تجمعات هفتگی بازنشستگان بستر مهمی برای گسترش اعتراضات مردم در سطح جامعه است و خواستههای آنها مطالبات همه مردم است. از اعتراضات بازنشستگان باید وسیع حمایت و پشتیبانی کرد.

۲۹ فروردین: تجمعات پرشور بازنشستگان در تهران و شهرستانها

یکشنبه های اعتراض

روز ۲۹ فروردین تجمعات "یکشنبه های اعتراض" بازنشستگان وسیعا برگزار شد و یک روز اعتراضی پر شور دیگر را رقم زد. در این روز بازنشستگان بطور سراسری در تهران و شهرستانها در اعتراض به خلف وعده ها و حقوق های نازل خود در شمار وسیع دست به تجمع زده و فریاد اعتراضشان را علیه فقر و دزدی ها و اختلاس ها بلند کردند.

بازنشستگان بر اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون تاکید دارند. و اعلام کرده اند و نشان داده اند که از حقوق خود کوتاه نمی آیند. بنا بر گزارشات تا کنونی علاوه بر تهران این تجمعات در شهرهای اهواز، کرج، اصفهان، بهشهر، کرمان، کرمانشاه، دزفول، قزوین، شوش، مشهد، اراک و بندرعباس، برگزار گردید.

جمعیت زیادی در این

تجمعات شرکت داشتند و شعارهای آنها از جمله عبارت بودند از: "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "تا حق خود نگیریم، ازیا نمینشینیم"، "تامین اجتماعی خجالت، خجالت"، "سفره ما خالیه، وعده و وعید کافیه"، "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "ما دیگه رای نمیدیم، از بس دروغ شنیدیم"، "مجلس، دولت، بس است فریب ملت"، "همکار بازنشسته آزاد باید گردد"، "مسئول بی لیافت، استعفا، استعفا"، "همسازي کجا بود دروغ بود و ریا بود"، "همسان سازی ندیدیم، خیلی دروغ شنیدیم"، "مدیر بی کفایت نمیخوايم نمی خوايم"، "وزیر بی کفایت نمیخوايم نمی خوايم"، "کشور ما رو گنجه بازنشسته تورنجه"، "و گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "اتحاد، اتحاد، رمز پیروزی ما".

همچنین در این تجمعات بنرها و پلاکاردهایی چون "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی"، "خط فقر ۱۲ میلیون، حقوق ما سه میلیون"، "درمان رایگان"، "درمان پولی نه، نه به فقر"، قابل توجه بود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۰، ۱۷
۲۰۲۱ آپریل